



دانشگاه علم و صنعت ایران

دانشکده معماری و شهرسازی

گروه طراحی صنعتی

هنر و تمدن اسلامی

مدرس : پردیس بهمنی

بهمن ۱۳۹۲

فهرست مطالب

مقدمه : تعریف تمدن و فرهنگ

واژه شناسی هنر

مسیر ارزیابی آثار هنری

جدول تطبیقی دیدگاه های مختلف دینی

نقش جغرافیا در شکل دهی به فرهنگ

شکل گیری هنر اسلامی در ایران

آشنایی با برخی آثار هنری قرون اولیه اسلامی در ایران

نتیجه : تفکر و هنر اسلامی

مقدمه :

هرسکویتس در تعریف تمدن می نویسد ((تمدن عبارت است از مجموعه ی دانشها، هنرها، فنون، آداب و رسوم تاسیسات نهادهای اجتماعی که در پرتو ابداعات و اختراعات و فعالیتهای افراد و گروههای انسانی طی قرون و اعصار گذشته توسعه و تکامل یافته و در متمم قسمتهای یک جامعه و یا چند جامعه که با هم ارتباط دارند رایج است مثل تمدن مصر تمدن ایران و هر کدام دارای ویژگیهایی است که به عوامل جغرافیایی، تاریخی و تکنیکی خاص بستگی دارد.)) (روح الامینی، ۱۳۷۷، ص ۴۹)

مارسل موس : تمدن مجموعه ای است به قدر کافی بزرگ از پدیده های شهر نشینی به قدر کافی متنوع و به قدر کافی با اهمیت از نظر کمی و کیفی و معمولا بین چند جامعه مشترک است. (روح الامینی، ۱۳۷۷، صص ۴۹-۵۰)

ویل دورانت اندیشه هاو فعالیت های فرهنگی جوامع را وقتی در شمار تمدن به حساب می آورد که شهرنشینی تکامل یافته باشد. وی تمدن را عبارت از نظم اجتماعی می داند که در اثر وجود آن خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان پیدا می کند. وی همچنین تمدن را تابع عواملی چند می داند که یا سبب تسریع در حرکت آن می شود و یا آن را از سیر و حرکتی که در پیش دارد باز می دارد و این عوامل به نظر او عبارتند از شرایط معرفه الارضی، جغرافیایی، اقتصادی، زیستی، روانی، نظم سیاسی وحدت زبانی و قانون اخلاقی. (روح الامینی، ۱۳۷۷، ص ۵۰)

با توجه به تعاریف فوق می توان گفت که هر تمدنی با یک یا چند اندیشه اساسی شکل می گیرد. ممکن است علت شکوفایی تمدنی در عرصه اقتصاد باشد. مثلا تمدن اروپا. تمدن بیشتر به جنبه های مادی و تکنولوژی زندگی انسانها اشاره دارد. که فراتر از قومیت هاست. میراث انسانها در طول تاریخ بشر می باشد.

افرادی مثل ویل دورانت شهرنشینی را لازمه ی تمدن دانسته اند. با رجوع به تقسیم کار دورکیم شاید به این علت که در شهر به دلیل تراکم جمعیت و افزایش نیازها تقسیم کار پیچیده می شود این تقسیم کار در تمام نهادهای بشری مثل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی اتفاق می افتد. در این حال با راه یافتن تکنولوژی به آن و شکل گیری ابداعات و اختراعات تمدن بروز می کند. عناصر تمدن می تواند نیازهای مادی ساکنانش را برآورده کند.

تمدن، هویت هر جامعه و از نشانه های بارز فرهنگ آن است. شناخت تمدن هر جامعه کمک می نماید تا نسبت به جهان بینی و دیدگاه آن جامعه نسبت به زندگی پی برد.

تمدن ها پدیده هایی پویا هستند که انشعاب می یابند در هم ادغام می شوند. و سر انجام افول می کنند.

تعریف فرهنگ Culture))

در بین تمامی موجودات زنده انسان تنها موجودی است که دارای فرهنگ است. چون متفکر و ناطق است.

فرهنگ بنا بر دیدگاههای مختلف، تعاریف گوناگونی دارد. با وجود نقاط مشترک در تعاریف اما باز هم هر کدام از آنها جنبه ای از زندگی انسان را در نظر گرفته اند که برای فرد دیگر آن ممکن است فرهنگ نباشد.

فرهنگ را بیشتر جنبه های معنوی انسان و جامعه و تمدن را به جنبه های مادی اطلاق می کنند. به عبارتی فرهنگ در ماست و تمدن در بازار ماست. (رادمنش، ۱۳۷۰، ص ۱۷)

رالف لینتون فرهنگ را ترکیبی از رفتار مکاتب می داند که به وسیله اعضای جامعه معینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و در میان افراد یک جامعه مشترک است. (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۱)

هرسکویتس می گوید فرهنگ بنایی است بین تمامی باورها رفتارها واکنشها ارزشها و مقاصدی که شیوه زندگی هر ملا را مشخص می کند و از هر آنچه یک ملت دارد از آنچه می کند و هر آنچه می اندیشد.

با توجه به تعاریف فوق فرهنگ را محصول معنوی مشترک جامعه انسانی می دانند که شامل آداب و رسوم، رفتارها و عقاید می باشد. و می تواند علت تمایز یک جامعه با جوامع اطرافش شود. فرهنگ می تواند با تعریف دورکیم از واقعیت اجتماعی همخوانی داشته باشد. چون فرهنگ پدیده ای فرافردی است که با از بین رفتن یک انسان از بین نمی رود بلکه به نسل بعدی منتقل می شود.

مقایسه فرهنگ و تمدن

۱- تمام جوامع دارای تمدن نیستند اما هیچ جامعه ای را نمی توان یافت که دارای فرهنگ نباشد.

۲- بعضی از صاحب نظران در تعریف تمدن فرهنگ را لحاظ کرده اند. و فرهنگ را مبنای تمدن دانسته اند. مثلاً رضا داوودی از متفکران ایران می گوید: تمدن صورت خاص زندگی مردم بر مبنای فرهنگ و تفکر است. به عبارت دیگر تمدن مجموعه ی آداب و رسوم و سنن و رفتار و کردار و فنون و صنایعی است که با تعلق به اصول و مبانی است، نه آنکه بسط و تحول تمدن به خودی خود بتواند موجب تفکر تازه باشد. (منصورنژاد، ۱۳۸۱، ص ۱۸)

و یا کسی مثل اشپنگلر معتقد است که تمدن در بستر زمان شکل می گیرد.

۳- بعضی تمدن و فرهنگ را معادل هم می دانند. و تعریف یکسانی از هر دو ارائه داده اند. مثل تایلر که فرهنگ و تمدن را همه ی میراثهای نوع بشری می داند.

۴- تمدن و فرهنگ هر دو تحت شرایط محیط جغرافیای شکل می گیرند. مثلاً در مصر رود نیل یک عامل مهم در بروز تمدن بود. مراسم برف چال (زن شاهی) در آب اسک آمل زمانی که برف کوه در اردیبهشت در حال آب شدن است انجام می شود.

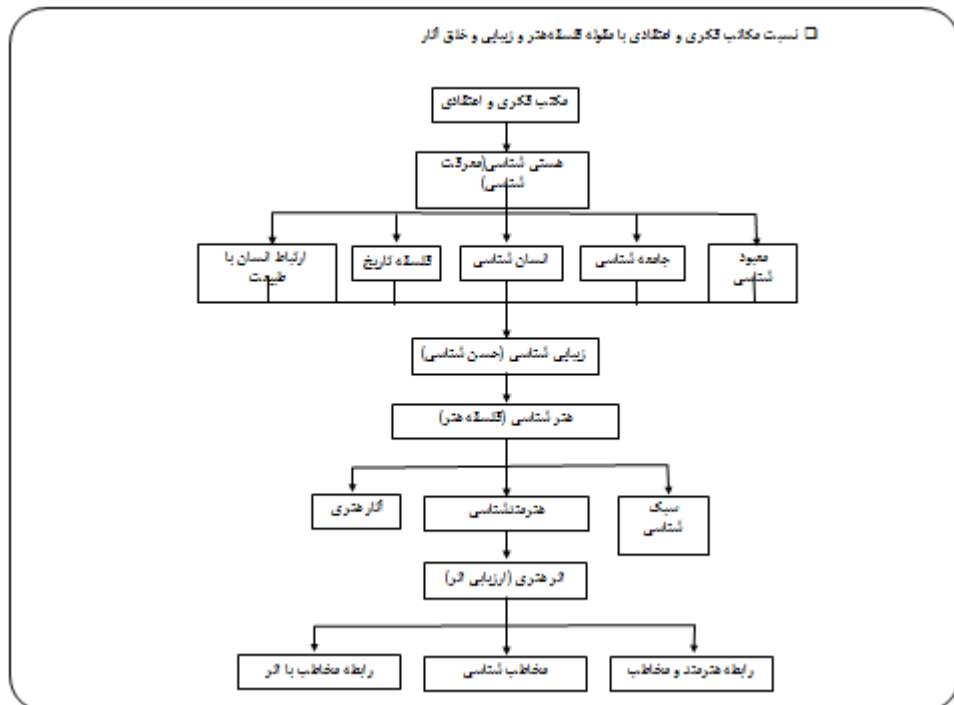
۵- بعضی ها مثل دکتر شریعتی فرق بین تمدن و فرهنگ را این طور گفتند: تمدن مجموعه ی اندوخته ها، ساخته های معنوی و مادی در طول تاریخ انسان و فرهنگ عبارت است از مجموعه ساخته ها و اندوخته های مادی و معنوی یک قوم یا نژاد خاص در طول تاریخ.

شریعتی به نظر می رسد محدوده جغرافیایی را علت تفاوت تمدن و فرهنگ می داند. مثلاً تمدن ایرانی که شامل نژادها و قومیت های مختلفی همچون لر، کرد، فارس... می باشد که دارای فرهنگهای مختلف و متفاوت از هم هستند اما تنها یک قوم در متمدن شدن ایران نقش نداشت بلکه همه باهم در به اوج رسیدن و متمدن شدن ایران نقش داشتند.

واژه شناسی هنر :



□ نسبت مکاتب فکری و اندیشه‌ای با مکتوب فلسفه هنر و زیبایی و خلق آفر



نقشه سلسله‌های هنری و معماری مختلف						
نام مکتب	نام شناخته شده	مقام وحدت	کارهای اصلی	ارتباط با	سازمان دهی	هنر اصلی و فرم معماری
مکتب اجداد	یونانیسم (هند)	(دارما)	رنج زنجیا (آرایش)	عدم	رهانند (بودی سائو)	مجسمه سازی
	ژان (ژاپن)	بی نام مطلق	سگون سکنس (پایه حرکت در عالم)	حلول	هدم شدن (سوفی)	نقاشی و خط
	دانوتیسم (چین)	(دائو)	نجلی دوگانه (یین و یانگ)	حلول	دوبند به (هلو)	نقاشی و خط
هندوتیسم	ایرهنمن	تثبیت مقدس: برهما، ایدک، سورا، آنا، وینا، ایدا	مدیر، خالق	موکشا (یکی شدن یا خدا)	وحدت سه گانه (تعدد مشاهده‌ای)	رقص
زرتشت	اهورا مزدا - اهریمن	عدالت‌دان ۶ گانه: حسن، راستی، شرف، عدل، برهمنی، راستی، خرد، کدک، برهان، باورهای نوری، اندک	عزیز، خالق	عبادت و محبت	وحدت دو گانه (تعدد مشاهده‌ای)	نقش برجسته
مسیحیت	قوم های ناطق	ان ابرو، انرا عام، روح القدس، عباد	یذر، خالق	عبادت و محبت	وحدت سه گانه (تعدد و روح القدس)	نقاشی
یونان	زیر سطریم، عبادات لسی، سوزوس آبرون	زندگی انسانی	فردتروا	اطاعت	تعدد (مشاهده مراتب)	مجسمه سازی
بوده	بوده	ده مقررات: کز، هی، عطان، عکس، عکس، طاق، صورت، جن، قدرت، عباد، متن و قدرت، نگاه، صورت، سوره، مدالت، تیره، نطق، آسمان، مره، عکس، آسمان، آسمان، سکترا، نورا	خالق، حاکم	اطاعت	وحدت سه گانه	تم موجوده هنر
اسلام لغوی	الله	فلسفه حقیقت، لغوی، لبرید، سکون، لغوی، تسبیح، لغوی، لغوی	عزیز حاکم	تقوا (عبادت)	وحدت دینی، هفتگانه (تعدد وحدت حقایق)	معماری و خط
اسلام اعتزالی	الله	صفات خداگونه قرآنی	خالق، حاکم	عبادت (اختیار)	وحدت دینی (تعدد وحدت اعمال)	
اسلام شیعی	الله	صفات خداگونه قرآنی	عزیز، عزیز محکم	تقوا، عبادت، محبت	وحدت دینی (تعدد، صفاتی، لغوی)	

۱- نقش جغرافیا بر شکل دهی به تمدنها

جغرافیا علاوه بر آنکه در خصوصیات افراد تاثیر به سزایی داشته بر فرهنگ و هنر نیز تاثیر می گذارد زیرا شرایط جغرافیایی بر نوع معیشت انسانها نیز دخیل بوده که به نوعی اثرات آنرا بر هنرهای بومی و ملی میتوان مشاهده کرد، دو نوع زندگی در جماعات مختلف ایران می توان تمیز داد، یکی زندگی «کوچ نشینی» و دیگر زندگی «یکجا نشینی» که در حقیقت دو پدیده اصلی جماعات بشری است. بدیهی است زندگی کوچ نشینی اساساً و عمدتاً مبتنی بر دام داری و گله یا رمه گردانی و بطور کلی پرورش دام است، چنانکه می دانیم تحت عنوان کوچ نشینی می توان کلیه انواع معیشت و زندگی مبتنی بر امر جابجایی گروههای انسانی را اعم از دائمی یا موسمی طبقه بندی کرد. امر جابجایی و تغییر مکان ناشی از شرایط و مقتضیاتی است که قلمروهای طبیعی و جغرافیایی انسان بوی تحمیل کرده است و امکانات ارتزاق و تامین معاش آنها را فراهم می سازد. با چنین توصیفی ما شاهد نضج آئین و مراسمی هستیم که عامل اصلی آن را غنا و یا بخل طبیعت تشکیل می دهد، بر این مینا در ادبیات شفاهی، نمایشهای سنتی، اعیاد و سایر هنرها، عوامل جغرافیایی و محیطی و شرایط وابسته به آن در پرورش شخصیت هنری و اعتقادی مردم نقش اساسی و مهمی ایفاء می نماید.

خصوصیاتی چون، عوامل ذیل نقشی مهم در فرهنگ و هنر داشته اند .

۱- نقش کوهپایه ها و دره های مرتفع کوهستانی در ایجاد مراکز تجمعات انسانی

۲- نقش مهم اقلیم محلی

۳- پراکندگی و تفرق روستاها در مناطق کوهستان و در دشتها و کوهپایه های کم آب

۴- پیوند زندگی با آب بر اثر قرار گرفتن سرزمین در منطقه نیمه خشک

۵- عدم امکان اقامت دائم انسان در کوهستان ها و دشتها که منجر به ظهور زندگی از نوع کوچ نشینی شه است و نیز کوهستان گریزگاه آدمیان گرمزده دشتهای آفتاب زده است.

نقش جغرافیا در هنر نیز بوجود آورنده سبکهای ادبی، هنری و معماری خاص خود بوده است، که با توجه به تنوع آب و هوایی به وجود می آیند. در ایران شماری از فرهنگهای گوناگون وجود دارد، که هر کدام به نوبه خود اسطوره های گوناگونی را آفریده اند، مردم مغرب ایران پیوسته آماده تاثیر پذیری از مراکزی مانند یونان و روم بوده اند، در حالی که مردم مشرق ایران بیشتر تحت نفوذ هند و مشرق زمین قرار داشته اند.

سه رشته کوه، مثلی را به دور این سرزمین تشکیل می دهند، کوه هایی که ارتفاع آنها به هجده هزارپا [حدود ۵۵۰۰ متر] می رسد، در قلب ایران دو کویر پهناور قرار دارد، در میان رشته کوه ها دره هایی است که در ازای بعضی از آن به شصت میل [حدوداً ۹۰ کیلومتر] و پهنای شان به به دوازده میل [حدود ۱۹ کیلومتر] می رسد، با آب و هوایی همچون کشورهای ساحل مدیترانه، در شمال در کرانه دریای خزر، جنگل در هم فشرده گرم و مرطوبی وجود دارد، بارندگی بین شصت اینچ [۱۵۲ سانتیمتر] تا صفر در نواحی مختلف در نوسان است.»

برخی عناصر جغرافیای ممکن است سبب خشک شدن و مرگ نواحی وسیعی گردد که سابق بر این در آنها حرف و صنایع پیشرفت قابلی داشته، چنانکه این امر درباره بابل و نینوا اتفاق افتاده است، همچنین ممکن است سبب آن شود که سرزمینهایی همچون انگلستان که از خطوط مواصلات بزرگ دور افتاده اند، نیرومند و صاحب ثروت گردند، اگر در زمینی مواد معدنی و محصولات غذایی فراوان باشد، اگر رودخانه ها سبب تسهیل وسایل حمل و نقل شود، اگر بریدگی سواحل به اندازه یی باشد که کشتی های بازرگانی به سهولت بتوانند در آن سواحل لنگر اندازند و بالاخره اگر ملتی مانند ملت های آتن و کارتاژ و فلورانس و ونیز در معبد خطوط بزرگ مواصلات جهانی قرار گرفته باشد در آن صورت می توان گفت عامل جغرافیا را به تنهایی نمی توانند سازنده تمدن باشد به چنین سرزمینی لبخند می زند و ملتی که در آن سکونت دارد آزادانه پیش می رود و ترقی می کند «دورانت، ویل- تاریخ تمدن کتاب اول مشرق زمین، گاهواره تمدن، انتشارات اقبال- تهران- صص ۴-۳» از آنچه ذکر شد پیوند تمدن و عوامل محیطی امری بدیهی است.

- تاثیر شرایط محیطی ایران در هنر

نمونه های بارزی از تاثیر عوامل محیطی و شرایط اقلیمی پیوسته در تاریخ هنر ایران تجلی یافته است مهم ترین عوامل و پدیده هایی را که در شکل گیری هنر ایرانی میتوان بر شمرد تقدس مظاهر طبیعت چون خورشید، آب، کوه، ستارگان و باران، درخت و ... است، نقش این عناصر مانند آب در پدید آوردن اولین زیستگاههای دائمی انسانهای اولیه بر کسی پوشیده نیست بدین سبب است که حیات و سمات انسانها در گرو آب و نور و حرارت خورشید بوده است به همین دلیل اغلب شاهد آثار هنری هستیم که متأثر از محیط پیرامون بوجود آمده اند، به عنوان نمونه به کاربرد نقوش به صورت سمبلیک و نمادین

در شکل انتزاعی می توان اشاره نمود این نقوش بر روی سفالینه های بجای مانده از هزاره پنجم پیش از میلاد در ایران به وضوح و روشنی بر نقش عوامل محیطی و جغرافیایی تاکید می کنند خطوط موج موازی در داخل یک دایره نشان دهنده مقدار آبی است که بر روی این سفالها مشاهده می شوند.

پرستش نیروهای طبیعی در ایران چون پرستیدن اهورا مزدا به صورت آناهیتا (مظهر آب) میترا (مظهر خورشید) و زروان مظهر آتش، آثار آئینی قدیمی آریایی هاست این عناصر را ایرانیان مقدس می دانستند و آنها را نمی آورند.

آریائیها اعتقاد داشتند روان مرده ها به آسمان صعود کرده و در خورشید و ماه و ستارگان مسکن می گزینند، از این جا میتوان علاقه انسان اولیه را به نمایش خورشید و حیوانات منسوب به آن مانند عقاب، شیر و گاو و غیره در تزئین ظروف دریافت. به همین دلیل است که ما شاهد کاربرد فراوان نقوشی هستیم که بر مبنای تفکر و باور ایرانیان باستان اشاره غیر مستقیم به عناصر و مظاهر طبیعت دارند مثلاً کاربرد فراوان نقش بز، شیر، مار و ... نمادی از عوامل حیات بخش طبیعی هستند.

ترسیم نقش بز نزد ساکنان اولیه فلات ایران اشاره ای به خورشید بوده و گاهی نیز مظهري از فرشته باران بود زیرا از زمان های کهن ماه با باران و خورشید با خشکی و گرما رابطه داشته است، چون میان شاخهای خمیده بز کوهی و هلال ماه نیز رابطه ای وجود دارد از این رو مردم باستان عقیده داشتند که شاخهای پرپیچ و خم بز کوهی در نزول باران موثر است، غالباً دم حیوان دراز کشیده شده و شاخ ها نیز بدون تناسب پهن و بزرگ گردیده است، بعدها فقط به نمایش شاخ بز پرداخته شد به این صورت که دایره ای بزرگ طرح می نمودند باید گفت که گله بز کوهی نیاز به گیاه دارد و کوه منبع رستنی هاست و ماه نگهدارنده آن، هر جا بز کوهی با آن چابکی خاص خود دیده می شود نشان از آب و گیاه می دهد، بز کوهی همچنین مظهر فراوانی و رب النوع رویدنی ها ست که در شاخ آن قدرتی جادویی پنهان بود.

نمونه دیگری از نقوش که بیانگر بیم و امید اقوام آریایی از حیاتی ترین عوامل اقلیمی و طبیعی محسوب می شده نقش اسب است، اسب سپید نمایشگر ایزد آب «تیشتر» و اسب سیاه نمایشگر «انبوش» دیو خشکسالی است همچنین اسب نمایشگر خورشید نیز بوده است.

یکی دیگر از نمادهایی که برای عناصر طبیعی در فلات ایران میتوان معرفی نمود نقش مار است.

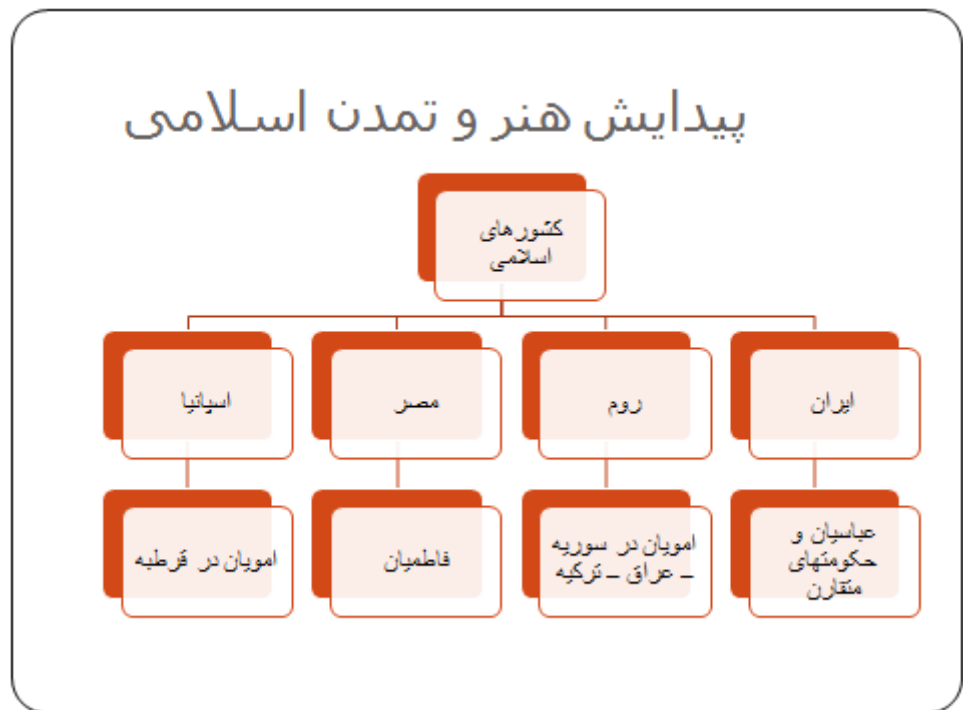
مار مظهر آبهای زیر زمینی بوده این طرح فراوان در تزئین ظروف بکار رفته است.

کاربرد نقوشی چون ماه و خورشید نیز در هزاره های پیش از میلاد حکایت از پیوستگی زندگی انسان و طبیعت داشته است به گونه ای که در کلیه ابعاد زندگی آنان و نیز در باورهایشان دارای جایگاه خاص بوده، در هزاره دوم و سوم پیش از میلاد مردگان را به سوی مشرق یعنی به طرفی که خورشید طلوع می کند می خوابانده اند و لذا می توان بر اهمیت آفتاب نزد آنان پی برد، چون خورشید به زندگی آنها رنگ و رونق می بخشید، هست و نیست خود را از وجود خورشید می دانستند و به ستایش آن می پرداختند، به مرور ایام نقش خورشید بتدریج ساده شد و به صورت صلیب در آمد، ایرانیان برای خورشید اهمیت خاصی قایل بوده اند شاید از آن هنگام که بشر به زندگی کشاورزی گرایش پیدا کند و دریافت که خورشید سبب باروری زمین و پرورش گیاهان و موجب گرم کردن و نیرو بخشیدن به انسان می شود ستایش گردیده است، علامت خورشید در تصویر شیرها و عقاب و گاو و نیلوفر آبی نمادهای خورشید هستند که در کلیه ادوار تاریخی ایران بر روی ظروف، قالی منسوجات و در معماری و ... بکرات دیده می شود.

گردوند خورشید، خورشید آریایی یا گردوند مهر نشان آسیایی معروف به سواستیکا یکی از دیرین ترین نقشمایه های باستانی است.

ماه نیز به عنوان یکی دیگر از مظاهر طبیعت به صورت نمادی که مظهر باران و خنکی بوده ستایش می شده و نقش آن به صورتی سمبلیک توسط ایرانیان نمایانده شده است. نقوشی چون گراز مار شاخدار، عقرب با شاخک هایش که شبیه هلال ماه است همگی نمادی از ماه می باشند، ارتباط میان گیاه و آب ارتباطی تنگاتنگ است.

تقدس نمونه های فوق که به آنها اشاره گردید نشان از اهمیت عوامل طبیعت و تاثیر شرایط محیطی و اقلیمی در زندگی و حیات مهم سرزمینی را دارد که وابستگی به آن به صورتی هنرمندانه و آمیخته با ذوق در هنر ایرانی جلوه گر شده، گونه هایی دیگر از نقوش و آثار هنری که به صورت نمادین و رمز گونه در هنر ایرانی حکایت از پیوستگی انسان با زمین و آب و خورشید باروری دارد نقشی است که بر روی سفالینه ای از هزاره چهارم پیش از میلاد بدست آمده، موضوع نقاشی شده مراسم نیایش و جشن برداشت خرمن است.



پس از رحلت پیامبر اکرم از زمان ابوبکر بود که دو سپاه یکی به سوی نواحی عراق و ایران و دیگری به سوی شام جهت انتشار دین اسلام روانه شد. از بحث‌های صرفاً تاریخی در قرون اولیه اسلامی و چگونگی فتح ایران در این بحث می‌گذریم. همین پس که شروع این امر از سال ۱۳ هجرت با واقعه جسر در منطقه حیره آغاز شد و پس از جنگ قادسیه در سال ۱۴ هجری و فتح مداین در سال ۱۶ هجری و جنگ نهاوند در سال ۲۱ هجری، قسمت‌های مختلف ایران با سرداری ابوموسی اشعری تسخیر شد و با مرگ یزدگرد سوم در سال ۳۱، سلسله ساسانی پس از ۴۵۰ سال پادشاهی منقرض شد.

پس از آنکه قسمت کلی ایران را سپاهیان اسلام فتح کردند در تمام دوره خلافت خلفای راشدین، و امویان (۴۱-۱۳۲ هجری) معمول چنین بود که حکامی از جانب والیان بصره و کوفه به ایران و ماورالنهر می‌آمدند و ایشان همه سرداری لشکر را نیز به عهده داشتند و چنین شغل مهمی کمتر به عهده مسلمانان غیر عرب نهاده می‌شد. پس از آن در عهد بنی عباس (۱۳۲-۶۵۶ هجری) حکام مستقیماً از دارالخلافه مامور می‌شدند و عنصر عنصر ایرانی در میان ایشان غالب بود مانند ابومسلم در زمان سفاح و منصور.

سلسله‌هایی که از عهد مامون به بعد در ایران تاسیس شدند دو دسته اند بعضی مانند علویان طبرستان، صفاریان و آل بویه و زیار به علت گرویدن به مذهبی غیر از مذهب رسم‌س خلفای یعنی تسنن مدعی خلیفه بغداد بودند و سیادت روحانی او را قبول نداشتند. گروه دیگر مانند سامانیان، غزنویان و سلجوقیان چون بر همان مذهب خلیفه بودند او را بر خود امیر المومنین می‌شناختند و به نام او خطبه می‌خواندند. (اقبال آشتیانی ۳۱۲)

حکومت‌هایی که در بازه این جزوه گنجانده می‌شوند عبارتند از: طاهریان و علویان طبرستان - آل زیار - آل بویه - صفاریان - سامانیان - قسمتی از حکومت غزنویان و قسمتی از حکومت سلجوقیان.



طاهریان اولین حکومت مستقل ایران بعد از حمله اعراب بودند (اقبال آشتیانی ۳۱۳). در اوایل قرن سوم، طاهر بن حسین، یکی از سرداران مأمون عباسی از طرف او امیر خراسان شد و بدلیل آن که عدم اطاعت خود را از مأمون اعلام کرد، اولین حکومت مستقل ایرانی بعد از اسلام در ایران تشکیل شد و حکومت او به طاهریان معروف شد. در زمان طاهریان نیشابور به پایتختی برگزیده شد.

طاهریان در جنگ با خوارج در شرق ایران به پیروزی دست یافتند و سرزمینهای دیگری مانند سیستان و قسمتی از ماوراءالنهر را به تصرف در آوردند و نظم و امنیت را در مرزها برقرار کردند. گفته می‌شود که در زمان حکومت طاهریان، به جهت اهمیت دادن آنان به کشاورزی و عمران و آبادی، کشاورزان به آسودگی زندگی می‌کردند.

در زمان طاهریان قیامهای بابک و مازیار که به ترتیب در اذربایجان و طبرستان (مازندران) رخ داد باعث شد که آنها از توجه به شرق ایران باز دارند. به همین دلیل خوارج دست به شورش زدند. آخرین امیر طاهری محمد بن طاهر نیز فردی مقتدر نبود. در نتیجه حکومت طاهریان رو به ضعف نهاد و سرانجام در میانه‌های سده سوم هجری به دست یعقوب لیث سرنگون شد.

طاهریان نخستین سلسله ایرانی است که از اطاعت کامل خلفای بغداد سر پیچید و به تشکیل دولتی محلی و تا اندازه ی زیادی مستقل در خراسان توفیق یافت. طاهریان از خاندان امیران و سرداران ناحیه ای در نزدیکی هرات به نام پوشنگ یا فوشنج بودند و در مبارزات ابومسلم برای روی کار آوردن بنی عباس شرکت داشتند. در اختلاف بین پسران هارون الرشید، امین و مأمون، طاهر پسر حسین جانب مأمون را گرفت و در جنگی که علی بن عیسی بن ماهان، سردار امین، در ری برضد مأمون کرد، طاهر بن حسین او را شکست داد و کشت. هنگامی که مأمون به خلافت رسید به پاس این خدمات طاهر را، برای پاسداری از امنیت شهر، شرطه بغداد کرد و چند سال بعد حکومت خراسان را به او داد.

پس از طاهر ذوالیمینین جانشینان او ۵۰ سال حکومت خراسان را داشتند و در بغداد نیز با نفوذ بسیار چندی در مقام شرطه بودند. معروفترین امیر طاهریان، پس از طاهر ذوالیمینین، عبدالله بن طاهر است که مردی دانا و دادگر بود و با آن که نام خلیفه را در خطبه نماز جمعه می آورد و هر ساله بخشی از خراج خراسان را به دربار خلافت می فرستاد، اما به خلیفه اجازه دخالت در امور داخلی خراسان را نمی داد. این امیر دانشمند در آبادانی نیشابور بسیار کوشید. به کشاورزی توجهی خاص داشت و از همین رو به فرمان او کتابی درباره راه نگه‌داری از قنات ها نوشته شد. دربار او محل رفت و آمد دانشمندان و

شاعران و نویسندگان پارسی زبان بود. آخرین امیر طاهریان، محمد بن طاهر، به دست یعقوب لیث صفار زندانی شد. وی پس از مرگ یعقوب آزاد گردید و دوباره به مقام ریاست شهربانی بغداد رسید. اما دیگر نتوانست حکومت خراسان را به دست آورد.»

علویان طبرستان (۲۵۰-۳۱۶)



گنبد علویان یادمانی ۹۰۰ ساله در همدان

یکی از دولتهای مقتدر شیعی که از اواسط قرن سوم هجری تا اوائل قرن چهارم هجری در قرون اولیه اسلامی خلفای عباسی تشکیل شد، دولت علویان طبرستان بود. رهبری این دولت را علویان شیعه مذهب به دست داشتند. این دولت یکی از مخالفان جدی خلفای عباسی و نمایندگان محلی ایشان بود.

علویان در مدت حکومت خود برای دولت مرکزی بسیار مشکل ساز بودند. در بررسی سیر و علل تشکیل این دولت شیعی می توان به عوامل گوناگونی اشاره کرد، از آن جمله:

۱ - عملکرد خلفای عباسی با علویان و شیعیان.

۲ - عملکرد ظالمانه حکام محلی و نمایندگان خلفای عباسی در منطقه طبرستان.

۳ - خصوصیات منحصر به فرد منطقه طبرستان و سرزمینهای رویان و دیلمان.

همچنین می توان عملکرد مناسب علویان و تقید به امور دینی و مذهبی را مؤثرترین عامل در خوشنامی و گرایش مردم به ایشان دانست. علاوه بر موارد فوق استقبال و پشتیبانی مردم منطقه از علویان، مهمترین عامل اقتدار و تداوم حکومت رهبران علوی بود.

علاوه بر موارد فوق، خصوصیات منحصر به فرد منطقه طبرستان را می توان از عوامل قدرت علویان و شکست دشمنان ایشان و عدم تداوم اشغالگری نیروهای متجاوز دانست. در پایان می توان اهم علل زوال دولت علویان را در چند مورد ذیل خلاصه کرد:

الف) جنگهای مکرر علویان با طاهریان، سامانیان، خلفای بغداد.

ب) جنگهای همزمان در چند ناحیه مختلف.

ج) نداشتن برنامه حکومتی.

د) اختلافات داخلی که ناشی از عقائد مذهبی ایشان بود..

طبق نقل منابع تاریخی آزار و تعقیب علویان و شیعیان از طرف خلفای اموی و عباسی باعث می شد تا این افراد با فرار از مناطق تحت کنترل خلفا به مکانهای دوردست و امن پناه ببرند. این هجرت ها به صورت فردی یا دسته جمعی و خانوادگی انجام می گرفت. یکی از مناطق امنی که شیعیان و علویان فراری از جور و ستم خلفای اموی و عباسی برای پناه گرفتن و مخفی شدن به آن روی می آوردند، مناطق کوهستانی شمال و شمال شرق فعلی ایران یعنی منطقه طبرستان قدیم و سرزمین دیلم یعنی گیلان و مازندران کنونی بوده است. علاوه بر خصوصیات جغرافیایی، مخالفت و سرسختی مردم این منطقه در دشمنی با خلفای اموی و عباسی را می توان یکی دیگر از عوامل پناه بردن علویان به این منطقه شمرد. بدین دلیل این مردم شهره مخالفت و سرسختی در دشمنی با خلفای اسلامی شده بودند. در این بحث سعی بر آن شده که اتفاقات این سرزمین از حدود سال ۲۵۰ تا ۳۱۶ هجری یعنی، دوره حکومت علویان طبرستان، مورد بررسی تاریخی قرار گیرد، ما در این بحث اهم اتفاقات این سرزمین را در قرون اولیه اسلامی حکومت علویان طبرستان، در سال های مذکور را به صورت مختصر بیان می نمائیم.

فعالیت های فرهنگی داعی کبیر

الف) صدور فرمانهای مذهبی

هنگامی که داعی کبیر خاطرش از دشمنان خود و سرکوبی آنها آسوده گردید مشغول به تبلیغ و آموزش امور دینی و مذهبی در طبرستان و شهرها و مناطق مختلف آن شد. وی دستورات مذهبی لازم الاجرای خود را با صدور نامه ای به شهرها و مناطق مختلف به سمع و نظر مردم می رساند. بعضی از این دستورات مذهبی که توسط حسن بن زید حاکم طبرستان صادر گردید عبارتند از:

۱ - مردم را به متابعت به کتاب خدا و سنت پیامبر وادار کنید به گونه ای که در اصول و فروع دین از رفتار و گفتار علی (علیه السلام) پیروی کنند.

۲ - از عقیده جبریه و مشبهه دوری گزینند.

۳ - در اذان و اقامه «حی علی خیر العمل» بگویند.

۴ - در اقامه هر عبارت را دو مرتبه بگویند.

۵ - در نماز «بسم الله الرحمن الرحيم» را با صدای بلند بخوانند.

۶ - برای نماز بامداد قنوت را واجب دانند.

۷ - در نماز میت پنج تکبیر بخوانند.

۸ - همچنین ممنوعیت مسح کشیدن بر کفشها. (۶)

ب) تقابل عقائد داعی کبیر با خلفای عباسی (اهل تسنن)

ج) تمایلات داعی کبیر به مراسم ایرانی

در پی درخواست مردم طبرستان به منظور احیای آئین کهن نیاکان خود و درخواست برگزاری مراسم جشن مهرگان، داعی کبیر با برگزاری این جشن موافقت کرد.

اوضاع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی طبرستان در دوره علویان

با تشکیل حکومت طاهریان روند اسلام گرایی که به کندی صورت می گرفت به وسیله مهاجرت تدریجی علویان شدت گرفت و باعث اعتماد مردم به آنها شد و چون علویان مخالف عباسیان بودند و مردم از ظلم حاکمان عباسی به ستوه آمده بودند با علویان متحد شدند و تحت تأثیر افکار دینی آنها قرار گرفتند و داعیان علوی بر ترویج مذهب تشیع پافشاری داشتند.

بنابراین هم به توسعه مذهب تشیع پرداختند و هم به اجرای عدالت در بین مردم منطقه پرداختند و ناصر کبیر مساجد زیادی ساخت نیز مدارسی از جمله در آمل ساخت و کتابخانه‌ای نیز احداث کرد. وی در جهت بهبود وضع محرومان هم تلاش کرد.

آل زیار (۳۱۶-۴۳۳)

در باختر و مرکز ایران دو دودمان دیلمی به نام آل زیار (۳۲۰ ه.ق.) و آل بویه که هر دو از سرزمین‌های شمالی برخاسته‌اند مرکزی مرکزی و باختری ایران و فارس را از دست خلفا آزاد کردند. دیلمی نام قوم و گویشی در منطقه کوهستانی گیلان بود به نام دیلمستان. دیلمیان سخت نیرو گرفتند و مدت ۱۲۷ سال حکومت راندند و چون خلفا در برابر آنها چاره‌ای جز تسلیم ندیدند حکومت بغداد را به آنها واگذاشتند و خود بعنوان خلیفگی و احترامات ظاهری بسنده کردند. این سلسله در سال ۴۴۷ ه. ق. بدست سلجوقیان و به خاطر اختلاف همیشگی که با آل زیار و دیگر امیران محلی ایرانی داشتند، از میان رفتند.

اسکلیان یا (آل زیار) و بوییان یا (آل بویه) دو خانواده دیلمی از نواحی دیلمستان بودند که توانستند به حکومت ایران غربی برسند. در غرب و مرکز ایران دو سلسله دیلمی به نام آل زیار (۳۲۰ ه.ق.) و آل بویه که هر دو از مناطق شمال برخاسته‌اند نواحی مرکزی و غربی ایران و فارس را از تصرف خلفا آزاد کردند. دیلمی نام قوم و گویشی در منطقه کوهستانی دیلمستان بود. دیلمیان سخت نیرو گرفتند و مدت ۱۲۷ سال حکومت راندند و چون خلفا در برابر آنها چاره‌ای جز تسلیم ندیدند حکومت بغداد را به آنها واگذاشتند و خود بعنوان خلیفگی و احترامات ظاهری قناعت کردند. در واقع، بعد از حکومت نیمه مستقل طاهریان و پس از صفاریان و در ایام امارت امری سامانی در ماوراءالنهر، خانواده‌های از مازندران و سپس گیلان توانستند بر قسمت عمده ایران غربی، یعنی از خراسان تا بغداد تسلط یابند. حکومت این خانواده‌ها به نام دیلمیان شهرت یافته‌است.

سرزمینهای طبرستان و دیلم که در قسمت شمالی البرز و در پناه کوهها و دره‌های صعب العبور و جنگلهای انبوه قرار دارد، از قدیم الایام (حتی پیش از اسلام) حاکمیت خود را حفظ کرده بود، چنانکه زمان انوشیروان (خسرو اول ۵۷۹ - ۵۳۱ م.) تا مدتها این ولایت یک نوع حکومت خود مختار داشت.

بعد از فتوحات مسلمانان در اکناف ایران (با اینکه تا اقصی نقاط خراسان تحت نفوذ اعراب مسلمان در آمد) باز هم طبرستان و دیلمان از حملات آنان محفوظ ماند. خاندانهای قدیم آن ولایت، مانند اسپهبدان و قارنیان و خانواده جستان (حدود رودبار و منجیل) همچنان به آداب و رسوم خود زندگی می کردند. همچنین، بسیاری مذهب خود را نیز حفظ کردند، تا روزگاری که گروههای از اعراب طرفدار خاندان علی و شیعیان زیدیه به آن نواحی پناه بردند و مورد حمایت همان خانوادهها قرار گرفتند. چنانکه وقتی « داعی کبیر » حسن بن زید در آن نواحی سکنی گزید، جمعی کثیر از مردم طبرستان و گیلان به طرفداری او برخاستند. همچنین در جنگهایی که میان او و یعقوب لیث صفاری رخ داد، مردم گیلان از او حمایت بی دریغ نمودند.

مرداویچ

مسئله طبرستان از همان آغاز پیدایش آنها برای سامانیان حل نشده بر جای مانده بود. اسفار - پسر شیرویه، هر چند ابتدا با سامانیان همراه بود، اما در پایان کار بر آنان شورید و به تدریج گرگان، طبرستان، قزوین، ری، قم و کاشان و خراسان را در قلمرو خود آورد. اسفار فرماندهی سپاه خود را به یکی از بزرگان ولایت، یعنی مرد اویچ پسر زیار سپرد، ولی خود با طغیان سربازان رو به رو گردید و در طالقان به قتل رسید (۳۱۶ ه.ق.). قلمرو حکمرانی مرد اویچ علاوه بر مازندران و بخشی از گیلان، به شهرهای ری، قم و کرج ابودلف (کرهود) و ابهر و در پایان همدان رسید. حتی سپاه خود را به نزدیکیهای دینور نیز فرستاد (۳۱۹ ه.ق.). مرد اویچ، اصفهان را فتح کرد و خیال حمله به بغداد را در سر می پروراند. اقبال آشتیانی ۳۲۶ تا ۳۳۰) وی به زبان آورده بود که من شاهنشاهی ساسانی را بر می گردانم " (تاریخ الخلفاء سیوطی، ص ۲۵۹) و قصد داشت که مدائن را به پایتختی خویش برگزیند. او پس از آنکه مراسم جشن سده را در اصفهان بر پای داشت. به علت اختلافی که میان غلامان ترک و دیلم او پیش آمده بود، به دست غلامان ترک در حمام کشته شد. (۳۲۳ ه.ق.).

وشمگیر

پس از مرد اویچ، گروهی از یاران او برادرش «وشمگیر» را از مازندران به اصفهان و ری احضار کردند که حکومت را به وی بسپارند، اما، چنانکه خواهیم دید حکومت بیشتر سرزمینهای دیگر به دست آل بویه افتاد و این خانواده بخشی از قلمرو حکومت خود را به نزدیکیهای مرزهای ایران در دوره ساسانی رساندند. در این مدت، وشمگیر تنها به حکومت گرگان و قسمتی از مازندران بسنده کرد (۳۲۳ تا ۳۵۷ ه.ق.). جنگهای او با آل بویه، به شکست انجامید و تقاضای کمک از نوح بن نصر سامانی نیز بی نتیجه ماند. وشمگیر در حالی که آماده نبرد با آل بویه می شد، در حین شکار، مورد حمله گزازی قرار گرفت و کشته شد (اول محرم ۳۵۷ ه.ق.). بهستون (بیستون) پسر وشمگیر، با برادرش قابوس رقابت داشت و حوزه حکومت قابوس - بعد از مرگ برادر - به همان گرگان منحصر شد. در جنگی که میان او و آل بویه در نزدیکیهای استرآباد در گرفت، شکست خورد و به خراسان گریخت (۳۷۱ ه.ق.). پس از آن، گرگان به دست آل بویه افتاد و قابوس نیز در ۴۰۳ ه.ق. کشته شد.

شمس المعالی قابوس مشهورترین افراد خاندان زیاری است که مردی فاضل و کریم و فضل دوست و شاعر پرور و خوش بود. در نوروز و مهرگان به هر یک از شاعران مقداری وظیفه می داد و دانشمند جلیل ابوریحان بیرونی کتاب مشهور الآثار الباقیه را در سال ۳۹۰ به نام قابوس تالیف کرد. حکیم و پزشک بزرگوار ابوعلی سینا برای درک خدمت وی از خوارزم عازم گرگان شد اما با شنیدن خبر قتل قابوس به ناچار به قزوین و همدان به پناه آل بویه رفت. شاعر نامی منوچهری دامغانی نیز در عهد فلک المعالی فرزند قابوس بود و به نام او تخلص امیر زیاری می کرد. (اقبال آشتیانی ۳۳۸) پس از او، فرزندش منوچهر که داماد سلطان محمود نیز بود نتوانست بر قلمرو خود بیفزاید و نوشیروان پسرش، و جستان نوه اش، تنها به صورت فرماندهان محلی در گرگان تا حدود سالهای ۴۳۵ ه.ق. حکومت راندند. در همه مدتی که قابوس و منوچهر و دیگر فرزندان زیار در

گرگان حکومت نیمه مستقلی داشتند، خاندان بویه که دست پرورده مرد اویچ بودند، پی در پی به فتوحات تازه دست می‌یافتند و قلمرو حکومت خود را گسترش می‌دادند. کتاب قابوس نامه در این عصر نگاشته شده است .

رویداد های مهم

جنگ باخلیفه

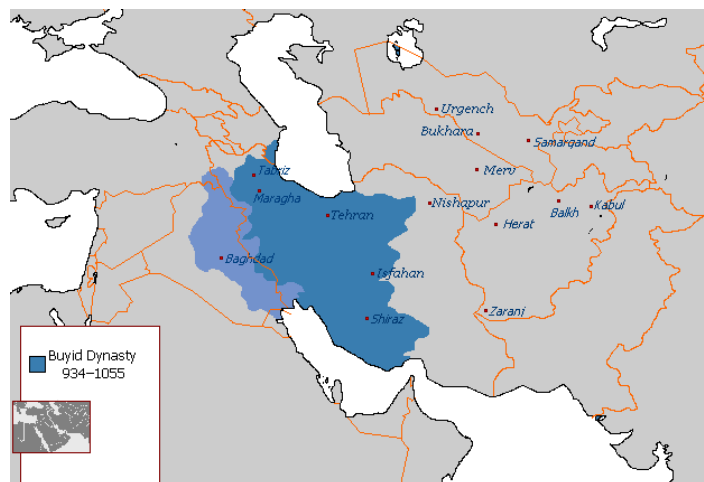
خراج گذاری غزنویان

رشد ادب فارسی

احیای سنت های باستانی

انقراض توسط آل بویه و سلجوقیان.

آل بویه (۴۲۰-۴۴۷)



در سالهای ناتوانی و انحطاط بغداد که فرماندهان ترک و کرد و گیل و دیلم خلیفه را هم در تختگاه وی دست نشانده قدرت و غلبه خویش ساخته بودند، با آن که در ایران اندیشه ایجاد یک قدرت پایدار همراه با زنده ساختن حکومتی مانند حکومت ساسانیان در خاطر بسیاری از داعیه داران این دوره، از گیل و دیلم و طبری شکفته بود، به بار نشستن این آرزو آن هم در یک مدت کوتاه، تا اندازه‌ای تنها برای آل بویه ممکن شد که آن نیز به سبب اختلافات خانگی، تقید به پیروی از دعوت زبیدیان و برخورد با آشوب‌های خراسان به نتیجه نرسید، با این حال بنیانگذار این سلسله علی بن بویه دیلمی ملقب به عمادالدوله و برادر زاده‌اش فنا خسرو بن حسن معروف به عضدالدوله، با وجود محدود بودن قلمرو خویش و با آن که در زمان آنها فرصتی هم برای زنده ساختن فرهنگ باستانی در قلمروشان پیدا نشد، باز استعداد خود را برای بازسازی وحدت و یکپارچگی از دست رفته قرنهای دور نشان دادند. هر چند دولت آنها علیرغم پابندی به رسم دوره با تکیه بر یک پادشاه باستانی مانند بهرام گور هم موفق به ایجاد تعادل پایدار عصر از یاد رفته بهرام در قلمرو یزدگرد نشد، باری طی چندین دهه

فرمانروایی آنها، قدرت خلفای عباسی، که پیش از آن نقش فعالی را در تعیین سرنوشت مردم ایران داشت، ناتوان ساخت و بدینگونه عناصر تازه‌ای از نژادها و اقوام گوناگون مردم ایران بار دیگر آنچه را ایران با پیمودن سالها به اعراب و ترکان اهل سنت واگذاشته بودند، این بار همراه آیین شیعه، دیگر بار، و گرچه برای مدتی کوتاه، به دست آوردند. دولت شیعی آل‌بویه در بخش مهمی از سرزمین ایران حضور داشت.

در مورد تبار خاندان بویه در میان دانشمندان و تاریخنگاران دیدگاه‌های گوناگون وجود دارد، صابی در کتاب تاجی آورده‌است که نسب بویه به بهرام گور منتهی می‌گردد و بعضی گفته‌اند که بویه از نسل دیلم بن ضبه بوده‌است و ابوعلی مسکویه در کتاب تجارب الامم آورده‌است که پادشاهان آل بویه خود را از فرزندان یزدگرد پسر شهریار آخرین پادشاه ساسانی می‌دانند و می‌گویند که در آغاز تهاجم اعراب مسلمان بعضی از اولاد یزدگرد به گیلان رفته و در آنجا ساکن شدند. سه تن از فرزندان بویه که گویا شغل ماهیگیری در گیلان داشتند، به خدمت فرماندهان آل زیار در آمدند. البته، ماکان کاکي هم از آنان حمایت می‌کرد. همچنین، «علی»، «احمد» و «حسن» مورد حمایت مردآویچ نیز قرار گرفتند. گشایش اصفهان برای مرد آویچ، ظاهراً توسط علی که برادر بزرگ‌تر بود صورت گرفت. پس از قتل مرد آویچ، غلامان ترک از ترس غلامان دیلمی، به خصوص ابوالحسن علی بن بویه به اطراف گریختند و میدان تنها برای دیلمیان خالی ماند. علی بن بویه به همراه برادر خود، احمد که کنیه ابوالحسن داشت به گشایش اهواز توفیق یافت (۳۲۶ ه.ق.).

عمادالدوله ارشد پسران بویه بود و نسبت به دو برادر دیگر همیشه با احترام و ادب رفتار می‌کرد و وفاق و اتحاد خاصی بین سه برادر حاکم بود (اقبال آشتیانی ۳۴۱). عضدالدوله بناهای بسیاری در بغداد و شیراز انجام داد اما ۵ پسر وی در پی کسب قدرت باعث از هم پاشیدگی این حکومت به ۳ شاخه شدند. با اینحال مویدالدوله مانند همعصر خویش شمس المعالی قابوس اهل علم و ادب بود و کتابخانه‌ای داشت که دانشمندان را از ری و اصفهان به دور وی جمع کرده بود. بوعلی سینا پس از بازگشت از خوارزم مدتی وزارت شمس الدوله را در همدان داشت. (اقبال آشتیانی ۳۵۴-۳۶۵)

سیاست مذهبی آل بویه

آل بویه پیرو شیعه ۱۲ امامی بودند و بطور مستمری شیعه را تبلیغ نموده و مراسمی مانند محرم و عید غدیر را پاس می‌داشتند. با اینحال آل بویه معمولاً سیاست مدارا و پذیرا بودن با سایر مذاهب مانند اهل سنت را در پیش داشتند. مثلاً آنان بزرگترین تکریم‌ها را برای عبدالله ابن خفیف شیخ کبیر، عالم بزرگ اهل سنت پایتخت (شیراز) بجا می‌آوردند. یا خانقاه برای اهل تصوف می‌ساختند. با این حال آنقدر از لحاظ سیاسی قدرتمند بودند که در تصمیم‌گیری‌های خلفای عباسی دخالت می‌کردند.

نقل شده‌است که در شیراز غیر مسلمانان مانند زردشتی‌ها مجبور نبودند که علامت مشخص کننده به تن داشته باشند و یا در محله‌های خاصی زندگی کنند. در زمان آل بویه بازار شهر شیراز در هنگام جشن مهرگان و نوروز نورانی می‌شد و هنگامی که در سال ۳۶۹ هجری مصادف با ۹۸۰ میلادی مسلمانان شیراز علیه زردشتیان به اغتشاش پرداختند. عضدالدوله لشکری برای تنبیه اغتشاش کنندگان به شیراز فرستاد.

تأثیر حکومت آل بویه بر جامعه‌ی ایران و اسلام:

از ویژگی‌های بارز حکومت سلسله آل بویه استقلال خواهی، احیای هویت فرهنگی ایرانی و گرایش وافر آنان به مذهب تشیع بود که همه‌ی این خصوصیات به نوعی به وضع جغرافیایی و انسانی خاص سرزمین تاریخی «دیلم» خاستگاه و زادگاه آل بویه در سرزمین پهناور ایران زمین مرتبط می‌باشد. احیای شعایر شیعه از قبیل ذکر جملات: «خیرالعمل و اشهد ان علیا ولی الله»

در اذان و نیز برگزاری مراسم جشن و سرور در سالروز عید غدیر خم و همچنین بزرگداشت واقعه خونین و تاریخی کربلا و زیارت اماکن متبرکه و مقدس را می‌توان از جمله عملکرد و سیاست دینی آل بویه و تاثیرگذاری آن بر جهان اسلام برشمرد. از پیامدهای مهم در سیاست گذاری دینی حکومت آل بویه، تضعیف جایگاه خلافت عباسی بوده که بعد از آن در تاریخ اسلام، شاهد ایجاد اندیشه یکسان نگری و گسترش علم و مذهب شیعه در سطح جهان می‌باشیم، حکام سلسله آل بویه در قرون چهارم و پنجم هجری با اتکا به قدرت نظامی و با بهره‌وری از آداب و سنن قومی ملی و نیز با گرایش کامل به مذهب شیعه بر بخشهای وسیعی از ایران و سرزمین عراق تسلط یافتند و با تضعیف خلفای عباسی و احیای مذهب تشیع و رواج فرهنگ و هنر اسلامی بر جامعه‌ی ایرانی و اسلامی حکومت کردند که تاثیر بسزایی در نشر و گسترش قلمرو اسلام در جهان داشت. حکام آل بویه در ترویج و نشر تشیع بی نهایت کوشا بودند و به صراحت می‌توان گفت که شیعه در عهد حکومت آل بویه پیشرفتهای مادی و معنوی چشمگیری داشته که حاصل تساهل و تسامح مذهبی حاکمان این سلسله بود.

به عنوان مثال عضالدوله از حاکمان نامدار آل بویه در مقابر حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) عمارتی ایجاد نموده و هر سال مقداری هدایا برای اماکن مقدسه می‌فرستاد و خود نیز برای زیارت به کربلا و نجف می‌رفت، ولی به رغم این اقدامات و اعتقادات قلبی نسبت به مذهب تشیع، تعصب بی جا از خود نشان نمی‌داد. طبق روایات تاریخی عضالدوله در اوج قدرتش به نصر بن هارون «وزیر مسیحی» خود دستور داد تا برای آسایش مسیحیان اقدامات ارزنده‌ای صورت دهد و نیز برای انجام فرائض و عبادت آنها، کلیسایی در بغداد بسازد.

این امر بیانگر عدم تعصب بی مورد آل بویه و نشانگر وحدت و تعامل آنان در قبال ادیان الهی می‌باشد که امروزه در جهان اسلام مباحثی را به نام گفتگوی ادیان و تمدنها ایجاد نموده است که آن را می‌توان از تاثیرات حکومت آل بویه بر جهان اسلام دانست.

از جمله تاثیرات و نتایج حکومت آل بویه در جهان اسلام، نگرش بی طرفانه و غیر مغرضانه، توأم با تسامح نسبت به اهل سنت بوده که منجر گردید تا اهالی بغداد که از دیرباز «اهل تسنن» بوده‌اند به مذهب تشیع روی آورند و از دل و جان آن را پذیرا شوند.

ابن اثیر در خصوص تاثیر حکومت آل بویه در پاسداشت مذهب تشیع می‌نویسد: «در سال ۳۵۲ هجری قمری، معزالدوله با صدور فرمان همگانی، روز «عاشورا» را تعطیل رسمی اعلام نموده و تمامی خرید و فروش را ممنوع کرد و نیز دستور داد تا در این روز بر حسین بن علی (ع) نوحه و عزاداری نموده و اشک بریزند.» بنابراین تعطیل شدن رسمی روز تاریخی و مذهبی عاشورا در جهان تشیع و نیز زنده نگه داشتن عاشورا از جمله پیامدهای حکومت آل بویه به شمار می‌آید که تأثیر بسزایی در حیات دین مبین اسلام دارد.

اوج قدرت آل بویه در زمان حکومت عضالدوله بوده که موجب گسترش مذهب تشیع و نشر فرهنگ ایران باستان در جهان اسلام گردید. زیرا که وی به عنوان اولین سردار ایرانی لقب شاهنشاه «سلطان» را به همراه لقب «تاج المله» از خلیفه دریافت نمود و با اقدامات عمرانی خود در سراسر قلمروش به ویژه فارس، خوزستان و بغداد، موجب رونق و شکوفایی دولت خود و احیای مذهب تشیع گردید. وی با احداث بارگاه امیرالمومنین علی (ع) در نجف و ساخت بند امیر فارس و بیمارستان عضدی بغداد و نیز با انتخاب وزیران خود از دانشمندان و علما و گسترش علم و دین، نام خود را به عنوان حاکم دانا، ادیب و متدین در تاریخ اسلام ثبت نمود.

علاقه‌ی وافر عضالدوله به اعیاد ایرانی چون نوروز و ارتباط دادن آن با دین اسلام و نیز گسترش قلمرو ایران به حدود مرزهای روم، نشان از علایق دینی و وطنی‌پرستی او دارد. آل بویه اولین سلسله‌ای بود که حمایت و اشاعه مذهب شیعه را در جهان اسلام برعهده گرفت به طوری که معزالدوله علاوه بر اقامه عزاداری عاشورا در بغداد، هنر اپرا دراماتیک را که نوعی

نمایش غمگین در زمینه حوادث مذهبی می‌باشد، تحت عنوان تعزیه داری و شبیه خوانی رایج نمود که مدتی بعد از این سلسله تعطیل و مجدداً در عهد صفویه احیا شد و در زمان قاجار به حد کمال رسید و بعدها کم رنگ شد تا این که در سالهای پس از انقلاب اسلامی در ایران و جهان اسلام به عنوان هنر نمایش مذهبی مورد توجه قاطبه جهانیان قرار گرفت.

از جمله خدمات ارزنده آل بویه در جهان اسلام احیای اعیاد اسلامی است. همدانی در خصوص وقایع سال ۳۵۲ هجری ۸ قمری «حکومت معزالدوله» می‌گوید: «شب پنج شنبه ۱۸ ذیحجه که شیعه آن را «غدیرخم» می‌نامند، در بازارها آتش می‌افروختند. در آن شب همان گونه که در شبهای عید مرسوم است، دکانها تا صبح باز بود، نوبت چیان طبل و بوق می‌زدند. بامدادان شیعیان به مقابر قریب رفتند و نماز عید به جا آوردند.» بر این اساس می‌توان گفت که مراسم عید غدیر و برپاداشتن جشن و سرور و آذین بندی از زمان وی به اوج کمال رسید و سالهای بعد هم ادامه یافت؛ و اینک در عصر حاضر نیز شیعیان به احترام و قداست این عید میمون و مبارک، به شادی و سرور می‌پردازند.

بنا به روایات و مستندات تاریخی در سال ۳۵۲ هجری قمری به دستور «معزالدوله» یکی از شاهان سلسله آل بویه به اهل بغداد دستور داده شد تا روز عاشورا ماتم بیا دارند و دکانها را ببندند و زنها مویه کنان بیرون بیابند. این در واقع نخستین روز عزاداری رسمی بر شهدای کربلا در تاریخ جهان اسلام به شمار می‌آید که بعدها این عزاداری در سراسر جهان اسلام شکل گرفت و مرسوم گردید تا هر ساله یاد آن امام همام که پیشوای شهیدان اسلام و سرور آزادگی بوده، گرامی داشته شود

حکومت صفاریان (۲۴۷-۳۹۳)

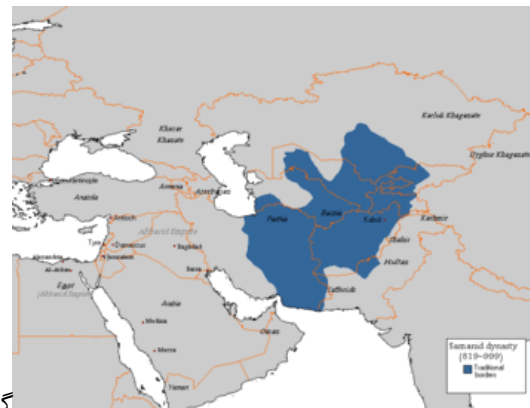


سیستان را مسلمین در خلافت عثمان در سالهای ۳۰ و ۳۳ فتح کردند . اما بعدها امیر حمزه بن عبدا.. خارجی در سال ۱۸۱ یعنی در زمان حکومت هارو بر سیستان و کرمان و خراسان مسلط شد و اوکه ایرانی و مدعی رساندن نسبت به پادشاهان کیانی بود ، مانع از فرستادن خراج و مالیات به بغدا شد و بدین نام هم از مردم چیزی نمی گرفت (اقبال آشتیانی ۳۶۹). یعقوب لیث نخستین امیر این خانواده بود که دولت مستقل اسلامی صفاریان را بنیاد نهاد. لیث سه پسر داشت بنامهای یعقوب و عمر و علی، هر سه پسران لیث حکومت کردند اما دوره حکومتشان چندان نپایید. یعقوب نیز در اوایل مانند پدر رویگری می‌کرد و هرآنچه بدست می‌آورد جوانمردانه به دوستان و همسالانش ضیافت می‌کرد. چون به سن رشد رسید تعدادی از مردان جمع شده او را به سرداری خود برگزیدند.

یعقوب را مردی باخرد و استوار و با انصاف توصیف کرده اند. حسن بن زید علوی که یکی از دشمنانش بود او را به خاطر استقامت و پایداریش سندان لقب داده بود. به امر خلیفه به نام او در مکه و مدینه خطبه می خواندند و او را ملک الدنيا و صاحبقران نام نهاده بودند و کنیه اش ابو یوسف بود (اقبال آشتیانی ۳۷۸). عمرو بن لیث صفاری نیز مانند برادر بلند همت و با عطا و بیدار دل بود همچنین آخرین امیر این سلسله خلف بن احمد (نوه دختری عمرو بن لیث) مردی دیندار و ادب پرور و شعر دوست بود. (اقبال آشتیانی ۳۹۰)

از بین رفتن حکومت طاهریان و ضعف و ناتوانی تدریجی که از غلبه ترکان در دستگاه خلافت پدید آمد، سرزمینهای خاوری خلافت را از نفوذ خلیفه و از امکان به کار بستن قدرت عملی او آزاد کرد. در چنین ایمنی و آسودگی که به ویژه دوری از بغداد آن را بی دغدغه می ساخت، سرزمین ماوراءالنهر که از عهد طاهریان یا پیش از آن به آل سامان واگذار شده بود، به رهبری فرماندهان این خاندان، مرکز یک دولت قدرتمند شد و خراسان و ری، و مدتی هم، جرجان، طبرستان، و سیستان، از سوی خلیفه یا به حکم پیروزی و غلبه، به قلمرو آنها پیوست. با آن که پیروزی این خاندان بر جرجان، طبرستان و سیستان همیشگی نبود و چندان دوام نداشت، ولی خراسان و ماوراءالنهر در بخش عمده دوره فرمانروایی آنها، از مداخله مستقیم کارگزاران خلیفه آزاد ماند و باقی مانده دنیای باستانی ایران، در شکل اسلامی خود، در همه این سرزمینها، زندگی تازه ای یافت.

سامانیان (۲۷۹-۳۸۹)



گستره فرمانروایی سامانیان (۲۶۱ - ۳۹۵ ق / ۸۷۴ - ۱۰۰۴ م)

خاندان سامانی از مردم بلخ بوده و آیین زردشتی داشتند و به گفته اکثر مورخان از فرزندان بهرام چوبینه بوده اند، سامان خدا بنیان گذار اعلی خانواده از روشناسان محل و فرمانروای بلخ بود. اسد والی عربی خراسان در نیمه قرن هشتم با سامان دوست شد. سامان دین اسلام را برگزید و نام پسر خود را اسد گذاشت. پسران اسد اشخاص با کفایتی بودند و در قرن نهم عهد مامون عباسی به حکمرانی محلی ماورالنهر و هرات برگزیده شدند. مانند: علی در سمرقند، احمد در فرغانه و الیاس در هرات. ابراهیم پسر الیاس بود که بعد ها به سپهسالاری دولت طاهری افغانستان رسید. احمد حاکم فرغانه در ۸۷۴ فوت، و نصر پسرش در سمرقند جانشین او گردید. اسماعیل برادر نصر حاکم بخارا شد و همین شخص است که بعد ها دولت سامانی را در سال ۸۹۲ بعد از مرگ نصر در سمرقند پایه گذاشت.

نصر یکم بنیانگذار سلسله سامانی

بنیانگذار این سلسله، نصر اول و گروهی از فرمانروایان برجسته آن، توانسته بودند دورانی از آرامش نسبی را برای ایرانیان فراهم آورند، ولی البته همه آنان چنین نبودند و همیشه نیز چنین نبود. ثبات این سرزمین با کوششهایی که توسط مرداوینج

زیاری برای بازگرداندن طرز حکومت پیش از اسلامی صورت گرفت و همچنین با افراط کاریهای دینی پادشاه با شکوه سامانی، نصر دوم در اواخر زندگی خود به مذهب اسماعیلی گروید و از این راه خود را با دستگاه خلافت درگیر کرد، در صورتی که این دستگاه در حقیقت تکیه گاه عمده این سلسله به شمار می‌رفت. اسماعیل سامانی گذشته از شجاعت و همت مردی پرهیزگار و خدا ترس بود و سپاهیانش نیز همواره به خواندن دعا و نماز مشغول بودند از این قرار به وی امیر عادل نیز داده اند (اقبال آشتیانی ۳۹۴)

زبان فارسی در دوره سامانیان

سامانیان ایجادگر دومین نو ایرانیگرائی تاریخ تمدن ایران بودند و در شکل‌گیری فرهنگ، تمدن و دانش در ایران پس از اسلام نقش بسزائی دارند.

در دوره سامانیان، زبان فارسی از پیشرفت و شکوفایی زیادی برخوردار شد. با آن که سامانیان در کارهای اداری زبان عربی را به کار می‌بردند و آن را شعار وحدت خلافت می‌شمردند، با وزارت افرادی چون جیهانی و بلعمی در عهد اسماعیل ، احمد و امیر نصر ، امکان آن را فراهم آوردند تا شاعران فارسی دری همچون رودکی «وفات در ۳۲۹» و دقیقی «حدود ۳۲۵ - ۷۰ ق / ۹۳۵ - ۸۰ م» از نخستین کسانی باشند که با گونه‌ای از زبان ملی خود که از تکمیل و آمیختن لهجه های محلی گوناگون فراهم آمده بود مطلب بنویسند. (اقبال آشتیانی ۳۹۷) این زبان در دربار سامانیان پذیرفته شد و سرانجام به عنوان زبان فارسی نوین گسترش پیدا کرد که با اندکی تغییرات آوایی تا زمان حاضر بر جای مانده است. فارسی نوین به خط عربی نوشته شد و رفته رفته هر چه بیشتر واژه های عربی به آن راه یافت که این امر تا اندازه ای نتیجه پیشرفت جهانی تمدن اسلام بوده است. امیر نصر مذهب اسماعیلی داشت و ممدوح شهید بلخی است که به امیر سعید نیز مشهور است . امیر نوح آخرین پادشاه مهم سامانی نیز مردی نیکو صفت و پسندیده اخلاق بود که به امیر حمید معروف بوده است (اقبال آشتیانی ۴۰۲)

غزنویان (۳۵۱-۵۸۲)



امپراتوری غزنویان در بزرگترین اندازه اش

در اواخر حکومت سامانیان یکی از سپه سالاران ترک به نام البتکین کوشید با همدستی عده ای دیگر ، یکی از اعضای خاندان سامانی به نام نصر بن عبدالملک بن نوح را به حکومت برساند اما نتوانست و پسر عموی وی یعنی منصور بن نوح به جای وی بر تخت نشست. بعد از این ماجرا البتکین راهی شهر غزنه در افغانستان شد و در آنجا حکومت را بر دست گرفت. دولت غزنوی یا غزنویان (۹۷۵-۱۱۸۷ م.) (۳۴۴ ه.ق. - ۵۸۳ ه.ق.) یک دولت ترک نژاد ، نظامی و اسلامی بود. دولت غزنوی

خاستگاه نژادی و پایگاه ملی خاصی نداشت، اما به عنوان مروج و ناشر اسلام مورد توجه و تایید خلافت عباسی بود. زبان رسمی این حکومت فارسی بود. شهرت این حکومت در جهان، بیشتر به خاطر فتوحاتی است که در هندوستان انجام داده است.

از آنجا که غزنویان نخستین پایه‌های شهریاری را در شهر غزنین آغاز نمودند به غزنویان نامدار شدند. بنیانگذار این دودمان کسی به نام سلطان محمود غزنوی بود. پدران او بردگان ترکی بودند که در زمان سامانیان خریداری شده و برای این دودمان ایرانی خدمت می‌کردند. کم‌کم کار ایشان گرفت و به شهریاری هم رسیدند. نام‌آورترین شهریاران این دودمان سلطان محمود و پسرش سلطان مسعود بودند. پس از سلطان مسعود این دودمان رو به ناتوانی گذارد و پس از چندی حوزه فرمانروایی اش به بخش‌هایی از هندوستان و افغانستان کنونی محدود شد. حکومت غزنویان هند از نظر هنردوستی و توجه به شاعران فارسی‌سرا از اهمیت بالایی برخوردار است.

اهمیت هندوستان برای غزنویان

یکی از مسائل مهمی که در قرون اولیه اسلامی غزنویان از سبکتکین شروع شد و در زمان محمود به اوج رسید و در زمان جانشینان وی نیز به شدت دنبال شد لشکر کشی‌های مداوم به هندوستان بود. علل این اقدام آنها اولاً این بود که هند سرزمینی غنی و آباد بود که بتکده‌ها و معابد هندوهای آنجا همیشه سرشار از طلا و جواهری بود که مردم برای خدایان خود هدیه می‌آوردند و حمله غزنویان به آنجا به معنای دستیابی به این ثروت بود. علت بعدی این بود که هندوستان کشوری کافر از نظر مسلمانان بود و لشکر کشی غزنویان به آنجا تلاشی در جهت گسترش اسلام وانمود می‌کرد و مخصوصاً از نظر دولت عباسی جهاد در برابر کفر بود که مشروعیتی را برای حاکمین غزنه به بار می‌آورد. همچنین این لشکر کشیها باعث مشغول بودن سپاه غزنویان می‌شد که اگر این سپاه بی کار می‌ماندند باعث ایجان مشکل و بحران در دستگاه غزنویان می‌گشت. بعد از مرگ محمود برای به حکومت رسیدن میان دو پسرش یعنی محمد و مسعود اختلاف بوجود آمد و بعد از کشمکش‌هایی مسعود توانست پیروز شود و به حکومت برسد اما چون حس می‌کرد کارگزاران پدرش با به حکومت رسیدن وی مشکل دارند ، در صدد کنار گذاشتن آنها برآمد. در این زمان کارگزاران دستگاه غزنوی به دو دسته تقسیم شده بودند یک دسته پدربان یعنی طرفداران سلطان محمود و دیگران پسران که هواداران مسعود بودند.

از جمله پدربانی که سخت مورد غضب سلطان مسعود قرار گرفت ابو علی میکال معروف به حسنک وزیر بود که چون از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار بود به ناچار برای از سر راه برداشتن وی ، او را به انحراف مذهبی متهم نمود که شرح آن در تاریخ بیهقی آمده است. و سپس وی را دار زد و اموالش را مصادره نمود. این اقدام وی ضربه مهلکی بر پیکره دودمان غزنویان وارد کرد؛ زیرا وی با این کار هم خود را از داشتن کارگزاران مجرب محروم ساخت و هم وجه خود را در میان مردم که می‌دانستند علت اصلی بر دار کردن حسنک چیست ، خراب نمود.

مسعود غزنوی نیز مانند اسلاف خود حمله به هند را در سرلوحه کاهایش قرار دارد اما دیگر از آن ثروتهای افسانه‌ای هند خبری نبود و در نتیجه بار سنگین هزینه‌ها بر دوش مردمی نهاده شد که مجبور بودند مالیات بپردازند و این خود باعث نارضایتی مردم بویژه مردم خراسان شد. در نتیجه توجه بیش از اندازه مسعود به هند وی از تحرکات سلجوقیان در خراسان غافل ماند. پس از مرگ مسعود فرمانروایی غزنویان به قسمتی از غرب هند به مرکزیت لاهور محدود گشت. و در نهایت در قرن ششم هجری غوریان آخرین بقایای غزنویان را نیز از بین بردند. با این حال سلطان ابراهیم با نوشتن عهد نامه ای توانست ۴۲ سال را در آرامش سپری نماید وی مردی عادل و عاقل و فاضل و دیندار بود و سالی یک قرآن به خط خود می نوشت و به خانه کعب می فرستاد شعر بزرگ این عصر مسعود سعد سلمان خود در رکاب وی شمشیر می زد . (اقبال آشتیانی ۴۳۵)



اوج محدوده فرمانروایی سلجوقیان

سلجوقیان در اصل غزهای ترکمان بودند که در قرون اولیه اسلامی سامانی در اطراف دریاچه خوارزم (آرال)، سیردریا و آمودریا می‌زیستند. سلجوقیان که به اسلام رو آورده بودند، بعد از ریاست سلجوق بن دقاق، نام سلاجقه را به خود گرفتند و به سامانیان در مبارزه با دشمنانشان بسیار کمک کردند. پسر سلجوق بنام میکائیل که بعد از مرگ او ریاست این طایفه را بعهده داشت، چندین حکم جهاد برای مبارزه با (به قول مورخین) کفار صادر کرد.

میکائیل سه پسر داشت به نامهای یبغو، چغری و طغرل. این قبیله که یک‌بار در زمان سلجوق بن دقاق به دره سیحون کوچ کرده بودند، بار دگر بعد از مرگ سلجوق به سرکردگی سه پسر زاده‌اش به نزدیکی پایتخت سامانیان کوچ کردند. اما سامانیان از نزدیکی این طایفه به پایتخت احساس خطر کردند؛ بنابراین سلاجقه بار دگر از روی اجبار بار سفر بسته و به بغرا خان افراسیابی پناه بردند. این حاکم از سر احتیاط، طغرل پسر بزرگ را زندانی کرد. ولی طغرل به کمک برادر خود چغری از زندان رهایی پیدا کرد و با طایفه خود به اطراف بخارا کوچ کردند.

در سال ۴۱۶ هجری ترکان سلجوقی به ریاست اسرائیل بن سلجوق برادر میکائیل دست به شورش زدند. اما سلطان محمود او را گرفت و در هند زندانی کرد. از طرف دیگر گروهی از یارانش دست به شورش زدند.

طغرل

ابتدای سلطنت سلجوقیان را باید با خطبه سلطنت برای رکن الدین ابوطالب طغرل بن میکائیل بن سلجوق در تاریخ شوال ۴۲۹ هجری در نیشاپور دانست. طغرل به کمک ابوالقاسم علی بن عبدالله جوینی معروف به سالار پوژکان، که همواره در دستگاه قدرت طغرل باقی ماند، به نیشاپور وارد و سلطنت را آغاز کرد. طغرل برای خود اسم اسلامی رکن‌الدین ابوطالب محمد را انتخاب کرد و این نام و مقام مورد تأیید خلیفه عباسی قرار گرفت. طغرل وزیری با کفایت که او را هم‌رده خواجه نظام‌الملک طوسی می‌دانند به نام عمیدالملک کندی داشت و سیاست و تدبیر او به طغرل بسیار کمک کرد. طغرل بیک در سال ۴۳۳ وارد شهر ری شد و این شهر را آباد کرده به پایتختی بر گزید. او سرانجام در رمضان ۴۵۵ هجری بعد از ۲۶ سال سلطنت در سن هفتاد سالگی در ری در گذشت و در مکانی که به برج طغرل (درابن بابویه) معروف است دفن شد.

عضدالدوله محمد آلپ ارسلان بن جغری (۴۵۵-۴۶۵ هجری)

آلپ ارسلان بعد از مرگ عمویش طغرل به سلطنت رسید و وزارت را به عمیدالملک کندی سپرد. اما بعد از مدتی آلپ ارسلان به تحریک رقیب عمیدالملک یعنی خواجه نظام الملک طوسی او را به قتل رساند و نفوذ او به خواجه نظام الملک طوسی منتقل شد.

بیشتر عمر آلپ ارسلان در جنگ با عیسویان سپری شد. او به قصد گسترش اسلام به ارمنستان حمله کرد و بر آن سرزمین غالب شد. اما بعد از غلبه بر آن سرزمین در سال ۴۶۴ با حمله ارمانیوس دیوجانوس امپراتور روم مواجه شد. این جنگ با شکست رومیان و دستگیر شدن ارمانیوس دیوجانوس به پایان رسید.

آلپ ارسلان در سال ۴۶۵ هجری به دست دسته‌ای از ترکها کشته شد. او در روزهای آخر عمرش شنید که ترکها در بخارا و سمرقند به مردم ظلم و ستم می‌کنند، بنابراین با لشکری برای سرکوبی آنها حرکت کرد. اما به دست یکی از ترکهای مخالف کشته شد و سر انجام پیکر او را به مرو منتقل کردند.

ملکشاه (۴۶۵-۴۸۵ هجری)

ملکشاه پسر آلپ ارسلان بعد از مرگ پدرش به کمک خواجه نظام الملک به کرسی سلطنت نشست. او به کمک فراست و دانایی خواجه نظام الملک توانست به تمام رقیبان سلطنتی خود از جمله شاهزادگان مدعی سلاجقه غلبه کند. بعلاوه اینکه توانست سرزمین‌های تحت اشغال سلجوقیان را گسترش دهد. از متصرفات او می‌توان به باز پس گیری سمرقند از فاطمیون مصر و انطاکیه از روم شرقی نام برد. عراق عرب، گرجستان، ارمنستان، آسیای صغیر و شام از دیگر محدوده‌های تحت تصرفات او می‌باشد.

حکومت ملکشاه که در سال ۴۶۵ هجری آغاز شده بود، بعد از بر کناری خواجه نظام الملک و روی کار آمدن تاج الملک قمی حرکت رو به زوال را پیش گرفت. عاقبت خواجه نظام الملک در نهاوند بدست یکی از اسماعیلیان به نام ابوطاهر در سال ۴۸۵ هجری کشته شد. ملکشاه نیز در همان سال زندگی را بدرود گفت. یکی از کارهای مهم ملکشاه بستن تقویم است که در آن حکیم عمر خیام نیز شرکت داشته و به تقویم جلالی معروف است. (اقبال آشتیانی ۴۷۳)

انشعاب در حکمرانی سلجوقیان

یه علت گسترش حکومت سلاجقه، ملکشاه کشور را به ایالات و ولایات مختلف تقسیم کرده بود و هر ولایت را یکی از شاهزادگان، امراء یا اتابکان اداره می‌کرد. اینان به علت دوری از اصفهان پایتخت آن عهد و قدرتی که ملکشاه به آنها داده بود، بعد از مدتی شروع به تشکیل حکومتی جدا و مستقل کردند. سلسله خوارزمشاهیان به دست انوشکین غزجه که یکی از امراء بود تأسیس شد. اتابکان نیز برای خود دم از استقلال زدند. در کرمان سلسله سلاجقه کرمان و در روم سلسله سلاجقه روم بوجود آمد. از طرف دیگر اتابکان آذربایجان و اتابکان لرستان هم ادعای استقلال کردند.

سلطان محمد را می‌توان آخرین پادشاه سلجوقیان دانست که بر تمام تصرفات این سلسله حکومت کرد. پس از اینکه ملکشاه زندگی را بدرود گفت بین پسران و شاهزادگان سلجوقی جدال سنگینی در گرفت. ابتدا بین دو پسر او محمود و پسر بزرگ برکیارق جنگ بر سر تاج و تخت سر گرفت. این جدال عاقبت در اصفهان با پیروزی محمود به پایان رسید و برکیارق زندانی شد. اما بعد از مدتی محمود بر اثر بیماری آبله در گذشت و قدرت دوباره به برکیارق بر گردانده شد.

محمد پسر دیگر ملک‌شاه که در آن موقع سلطنت گنجه را بر عهده داشت سر به شورش علیه برادر خویش برداشت. بجز جنگ اول که در نزدیکی همدان رخ داد و با شکست محمد به پایان رسید، پنج جنگ دیگر نیز رخ داد که عاقبت با صلح بین دو برادر به پایان رسید. اما برکیارق در سال ۴۹۸ هجری یک سال بعد از صلح با برادرش محمد در گذشت و امور به محمد منتقل شد.

برخی موارد مهم تا قرن ۶ هجری در ایران :

داشتن وزیران نامی و فاضل حسنک وزیر - جیهانی - نظام المالک

رسمی شدن زبان فارسی در دستگاه غزنوی و آل بویه و سامانیان

اهمیت به مناسک کهن ایرانی

اهمیت به اعیاد مذهبی اسلامی

فرقه های مذهبی حنبلی غزنویان - زیدیه - اسماعیلیه و مذهب شیعه

برخی از پادشاهان دیندار و ادب پرور بوده اند

شاعران نامی مانند رودکی - دامغانی - سعد سلمان - شهید بلخی

دانشمندانی چون بوعلی سینا - عمر خیام - بیرونی

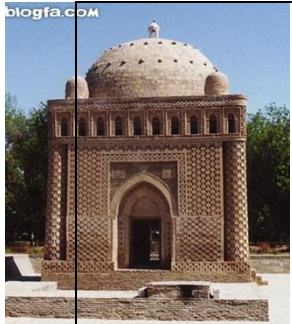


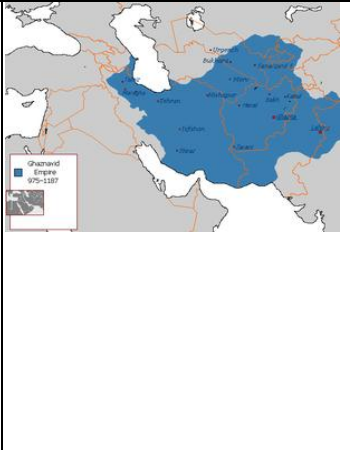
ارتباط با هندوستان

منطقه جغرافیایی حکمرانی بیشتر متمرکز بر شمال - مرکز و شرق

خلاصه اوضاع اجتماعی فرهنگی ایران در قرون اولیه اسلامی

حکومتها	حکومت	ده حکومت	فرهنگی	شاخص	به جا مانده
ورود اسلام	۱۳ هجرت	قه حیره ، قادسیه و نهاوند			

	<p>طاهر بن حسین -</p>	<p>اولین حکومت مستقل - توجه به کشاورزی - کتابی درباره قنات</p>		<p>(۲۰۶- ۲۵۹)</p>	<p>طاهریان</p>
 <p>همدان</p>	<p>داعی کبیر</p>	<p>تقید به امور دینی شیعی - تمایل به مزانتم ایرانی</p>		<p>-۲۵۰ ۳۱۶</p>	<p>علویان</p>
 <p>گنبد کاووس (گلستان)</p>	<p>شمس المعالی قابوس - ابوریحان - فردوسی</p>	<p>بزرگ داشت نوروز و مهرگان</p>		<p>(۳۱۶- ۴۳۳)</p>	<p>آل زیار</p>
 <p>لرستان</p>	<p>مرد آویج - عمادالدوله بوعلی - سینا</p>	<p>شیعه - پاسداشت محرم و عید غدیر - احیای هویت فرهنگی ایرانی</p>		<p>-۳۲۰ ۴۴۷</p>	<p>آل بویه</p>
 <p>دزفول</p>	<p>یعقوب لیث -</p>	<p>دیندار و با انصاف</p>		<p>(۲۴۷- ۳۹۳)</p>	<p>صفاریان</p>

 <p>blogfa.com</p> <p>بخارا</p>	<p>و جیهانی و - بلعمی - رودکی - شہید - بلخی</p>	<p>در ابتدا زرتشتی - پیشرفت زبان فارسی -</p>		<p>-۲۷۹ (۳۸۹</p>	<p>سامانیان</p>
 <p>غزنیہ</p>	<p>سلطان و محمود مسعود - حسنک وزیر - مسعود سعد سلمان</p>	<p>ترک نژاد- ارتباط با هندوستان</p>		<p>-۳۵۱ ۵۸۲</p>	<p>غزنویان</p>

شکل گیری ایران اسلامی



آشنایی با برخی آثار هنری قرون اولیه اسلامی

برخی آثار هنری این قرون، امروزه در موزه ها به عنوان بخشی از تمدن و آثار فرهنگی و هنری آن مردمان نگه داری می شوند. این در حالی است که "تمدن به همه تغییرات کمی و کیفی ای اطلاق می شود که در زندگی بشری حاصل شده و در عرصه حیات مشترک انسانهایی که با هم در ارتباطند مجال ظهور و ماندگاری و تحول یافته است. تمدن بر همه آثار و نشانه ها و دستاوردهای مادی و معنوی راه یافته در زندگی تاریخی مردم اطلاق می شود" (شعبانی، ۱۳۵۴: ۲۰۱). در نتیجه اشیاء و لوازمی که مردم در زندگی روزمره استفاده می نمایند اهمیت خاصی در تحقیق در زندگی و فرهنگ ایشان دارا می باشد و از بررسی آنها می توان به شیوه زندگی مردم دست یافت. بخش لوازم آشپزخانه به دلیل تنوع عملکرد های آن بیشترین تعداد اشیاء خانگی را به خود اختصاص می دهد. از طرفی به دلیل شدت ارتباطی که به لحاظ زمان صرف شده در آشپزخانه وجود دارد، اشیاء این بخش اهمیت خاصی در ارتباط با استفاده گر دارند (محمدی نژاد، ۱۳۸۱: ۶). در این جا به توضیح برخی از این آثار می پردازیم:

۷-۱- اشیای شیشه ای :

شیشه جسمی شفاف است با این حال بر خلاف تمام جامدات دیگر فاقد ساختار درونی منظم و یکنواخت می باشد. تفاوت اصلی بین حالت جامد و مایع هر ماده مشخص، مثلاً یخ و آب و یا آهن مذاب و آهن جامد، وجود ساختار متقارن و منظمی در جامدات است که اصطلاحاً بلور یا کریستال نامیده می شود. شیشه تنها جامد بی شکل است و از همین روست که می توان آنرا در حقیقت جامدی مجازی دانست، که به علت فقدان نظم تکرار شونده در ساختمان درونی هر یک صفحه شیشه می تواند به عنوان یک مولکول بزرگ مورد توجه قرار گیرد از همین روست که نور را از خود عبور می دهد و شفاف است. (۷)

خواص متعدد شیشه را چنین خلاصه می کنیم:

۱ _ ماده ای است مصنوعی از سنگ یا ماسه (Si) و نمک فلزات .

۲ _ قابل ذوب توسط یک شعله قوی

۳ _ در حالت مذاب قابلیت چسبندگی و اتصال دارد

۴ _ در آتش سوخته نمی شود و چیزی از آن به هدر نمی رود و خاکستر نمی گردد.

۵ _ وقتی از شدت حرارت سرخ شد قابلیت لوله شدن و شکل پذیری دارد. اما چکش خوار نیست

۶ _ می توان آن را بر خلاف هر عنصر معدنی به وسیله دمیدن توخالی و باد کرد

۷ _ قابلیت کش آمدن دارد

۸ _ سرما و رطوبت در آن اثر نمی گذارد

۹ _ در میان اجسام و عناصر طبیعی تنها با الماس می توان شیشه را برید.

۱۰ _ هر گونه اکسیدهای رنگی فلزات را می توان با آن مخلوط کرد و یا هر گونه رنگی را به سطح آن مالید. ۱۱ _ کمتر اسیدی بر روی آن تاثیر دارد.

۱۲ _ با هیچ ماده ای نمی توان رنگ و یا خواص دیگر آن را جدا کرد

۱۳ _ شفاف است چه در حالت مذاب و چه در حالت انجماد

۱۴ _ در اثر استفاده طولانی هیچیک از خواص خود را از دست نمی دهد.

۱۵ _ با فلزات ترکیب می شود و آنها را نرمتر می کند.

۱۶ _ محکمترین و در عین حال ضعیفترین است.

۱۷ _ نور را از خود عبور می دهد و سد راه دید انسانی نیست .

۱۸ _ مقاومت الکتریکی دارد.

۱۹ _ خاصیت تجزیه نور را دارد.

همچنین ضرب مثل ها ترکیباتی که از شیشه در آنها استفاده شده است مثلاً «شیشه بر سر سربازان شکستن: افشای راز کردن» یا «شیشه ی خوناب: کنایه از آسمان»

به شیشه دل من میزنی به سنگ جفا چنان بزن که اگر بشکند صدا نکند

گر نگه دار من آن است که من میدانم شیشه در بغل سنگ نگه می دارد

خیرانی

شیشه سازی :

سختی از بهر عدو دارم چو نرمی بهر دوست شیشه سازی می کنم گاهی، گهی آهنگری

از دیدگاه هنری نیز قابلیت شکل پذیری بصورت بدیع و زیبا و مخصوصا شکل دهی در زمانی اندک خصوصیات فرمی خاصی را برای این هنر - صنعت فراهم نموده است به گونه ای که در طول تاریخ آثار ارزنده ای از این دست به ما رسیده است که حاکی از دانش مردمان پیشین از خواص شیمیایی و فیزیکی شیشه می باشد. برخی بر این باورند که با توجه به کشف آتش در ایران - داستان هوشنگ در شاهنامه - شیشه گری و فلز کاری نیز که نیاز مستقیم با آتش دارند در ایران زمین شکل گرفته است، با این حال شواهد مستدلی برای این ادعا نمی توان ذکر کرد و تنها تکیه ما بر این امر مفاهیم اسطوره ای است که یادگارهای قرون اولیه اسلامی کهن می باشند.

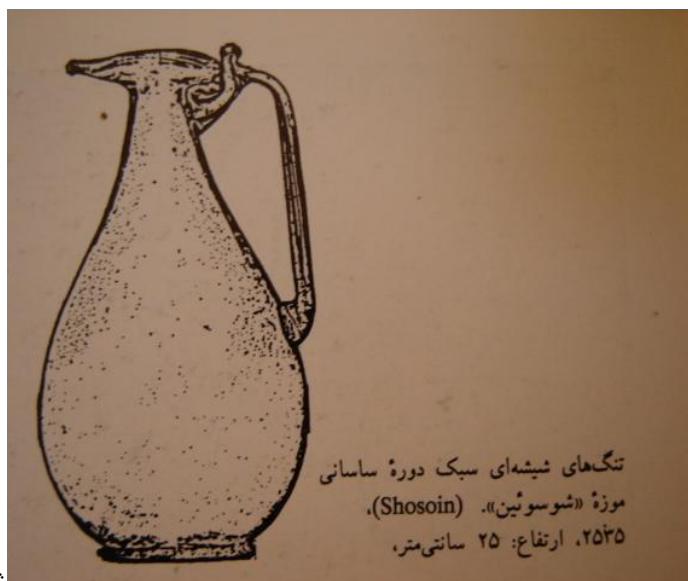
۱- تاریخچه مختصر شیشه تا اوایل اسلام

شیشه گران همواره در طول تاریخ مرتبه ای در مقام کیمیاگران داشتند، چرا که کوره ساده و سوزان ایشان از موادی اولیه و ناچیز، محصول زیبا و شفاف تولید می کرد که مورد تقاضای ثروتمندان و باعث حسرت فقرا بود. خانواده های شیشه گر رمز و راز کارشان را چون گنجینه ای نفیس در سینه خود حفظ می کردند و به سختی از بیرون رفتن هر گونه اطلاع به خارج از خانواده و احیانا دسترسی رقبا به این اطلاعات جلوگیری می کردند. (فوکایی، ۱۳۷۱)

از همان ابتدا شیشه گران در جامعه خود از مقام والایی برخوردار بوده اند. مثلا در نزدیک به ۲۰۰۰ سال پیش از این، شیشه گران رومی خیابان مخصوص و به نام خود در بهترین محل شهر داشتند و یا طبق قانون ثئودوزیاس در سال ۴۳۸ م. از پرداخت مالیات معاف شده بودند. در قرون اولیه اسلامی رنسانس نیز اشراف فرانسوی اجازه داشتند خود وارد کار شیشه گری شوند بدون آنکه از درجه اشرافیت ایشان کاسته شود و یا یک نجیب زاده می توانست با دختری از خانواده شیشه گران ازدواج کند بدون آنکه همسر را در مرتبه ای پایینتر از مقام اجتماعی خود بشمارد. (تالبوت رایس، ۱۳۸۱)

شیشه اولیه (پیش از تاریخ تا قرون اولیه اسلامی هخامنشی): فن شیشه سازی در ایران خیلی قدیم است و این صنعت از ادوار پیشین در خاور نزدیک دایر بوده است و نویسندگان و مورخین یونان به آن اشاره کرده اند و از آن جمله ارسطوفان (Aristophanes) نویسنده قرن ۵ ق. م. در یکی از پیس های خود اشاره به استعمال جامهای زرین و بلورین در دربار ایران می نماید. (پرایس، ۱۳۶۴)

در هزاره دوم ق. م. یعنی زمانی که ایران هنوز در مرحله آغاز نگارش بود، امپراطوری ایلام که مرکز آن شوش بود، پدیدار گشت و در این منطقه که از نظر فرهنگی در اوج شکوفایی خود بود شیشه بکار می رفت. مهره های استوانه ای دوره ایلام میانی نیز از شیشه بوده است بطوریکه پنجره های زیگورات چغازنبیل از استوانه های شیشه ای ساخته شده بود که اکنون در موزه ایران باستان نگه داری می شود. در اکتشافات مارلیک نیز ظروف استوانه ای شیشه ای و جام شیشه ای با قدمت حدود هزاره اول ق. م پیدا شده و در حسنلو در شمال غربی ایران قطعاتی از شیشه (موزاییک) پیدا شده است.



شکل ۷: نمونه تنگ های شیشه ای ساسانی

مهمترین تکنیک شیشه گری ، اشکال مختلف شیشه بری بوده است. و همچنین از بازار معروف فسطاط (سوق القنادیل) نقل شده که ظرفهای شیشه ای سبز شفاف و درخشان همچون زمرد و شیشه های سفید که بر آنها با لعاب نقشها پرداخته یودند و گلدانهای بلند مسین دمشق دیده می شد که چنان درخشان بودند که پنداری طلا هستند . تعداد زیادی از ظروف شیشه ای اسلامی قرن ۹ و ۸ م شامل شیشه های عطر کوچک و ضخیم است که اغلب منشوری شکل است و بوسیله خطوط و شیارهای افقی و عمودی شکل دندان دار در آورده شده است. بغداد از لحاظ ظروف شیشه ای برش دار معروف بود.

۱- روشهای ساخت شیشه:

روش های ساخت شیشه که در قرون اولیه اسلامی اسلام در ایران به کار می رفت یکی روش کهن دمیدن قالب برای تهیه شیشه ضخیم است که از قرون اولیه اسلامی پارت و ساسانی به کار می رفته است و دیگری روش دمیدن آزاد برای تولید شیشه نازک که در شیشه های سوری دیده می شود. ایجاد کمال زیبایی با روش دمیدن آزاد امکان پذیر است که در طول عصر اسلام به اوج خود رسید.

۱ _ قالب شنی: برای ساختن اولین شیشه ها از روش قالب منفی شنی استفاده شده است. امروزه ثابت شده است که قالب مورد مصرف از جنس گل با مخلوط کاه بوده است. بدین صورت که ابتدا قالب توپر ظرف مورد نظر را می ساختند بعد آنرا در شیشه مذاب فرو می برده و پس از صاف و یکدست کردن سطح خارجی شیشه ، قالب منفی را از شیشه خارج می کردند.

۲ _ روش موزاییکی: در قرن ۱۵ ق . م . هنرمندان شیشه گر از این روش استفاده می کردند و بدین صورت است که در شیشه گر مقداری از شیشه را بوسیله لوله های مغزی در جهت مخالف هم می کشیدند تا خمیر کش بیاید و تبدیل به لوله دراز و باریک شود پس از سرد شدن آنرا قطعه می کردند و با در کنار یکدیگر گذاشتن بر روی قالب منفی که قبلا آماده شده ظرف شیشه را می سازند.

۳ _ روش تراشیدن و ساییدن: پیش از شیشه برای ساختن سنگهای گرانبها طبیعی بکار می رفت. در این روش شیشه مورد نظر را از داخل یک بلوک شیشه ای می تراشیدند و البته بیشتر فقط قسمتهای مهم و بهتر ظرف را با این روش می ساختند.

۴ _ فشردن در قالب: شاید بتوان گفت این روش از سفالگران وام گرفته شده است. بدین گونه که ابتدا قالبی معمولا از جنس فلز تهیه می گردد و هنگامی که شیشه هنوز مایع است به شیشه دمیدن در قالب قرار می گیرد. این روش از جمله شیوه های تولید نیمه انبوه شیشه های یکسان بوده است و هنوز مورد استفاده می باشد.

۵ _ دمیدن شیشه: این روش در قرن اول پیش از میلاد ابداع شد و در آن با برداشتن مقداری بار از کوره بوسیله لوله ای بلند و سرد کردن نسبی آن در قاشق چوبی، در شیشه دمیده می شود. این روش معمولا برای فرمهای کروی و یا دارای تقارن مرکزی استفاده می شود.



شکل ۸: روش دمیدن شیشه در قالب

۲- تزئینات

تزئینات شیشه شامل تراش، تزئین با رشته های شیشه ای افزوده، تزئین پر مانند، تزئین فشرده در قالب، تزئین با مدال های افزوده می باشد. از لحاظ تزئینات رنگی سه نوع مینایی، نقاشی سرد و زرین می باشند.

تراش: از زمان پارت و ساسانی مورد استفاده بوده است. در قرون اولیه اسلامی اسلام رایجترین نوع تراش تراشهای مدور مسطح با شکل لارانتن در جهت بالا و پایین تراشیده می شده است.

پارچ های دهانه گشاد قرن ۹ دارای شکل ویژه اوایل اسلام می باشند. اغلب تراش هایی که با این روش ساخته می شده، بیضی شکل بوده اند اضلاع گردن بسیاری از روغندان های گردن باریک که شکل ویژه اوایل اسلام است، مسطح می باشد.

تزئین با رشته های افزوده: اغلب در تزئین ظروف شیشه ای که با دمیدن آزاد ساخته می شده اند به کار می رفته است و در آن پس از شکل یافتن ظرف، رشته ای نازک از شیشه مذاب معمولا رنگی را به آن اضافه می نمایند و با چرخش ظرف، تزئینات مختلفی بر آن به وجود می آورند.



عکسهای ۹ و ۱۰ : نمونه ظروف شیشه ای با تزیینات رشته افزوده

تزیین بوسیله فشردن در قالب : از دوره پارت و ساسانی ادامه یافته است و در آن تزیینات در قالب بصورت منفی طراحی می گردد .

مدال افزوده: افزودن نقوش قالبی بر روی شی مورد تزیین است. اغلب از تزیین ظروف سفال ساسانی استفاده می شده است و برای ظروف شیشه ای نسبتاً کوچک کاربرد داشته است.



شکل ۱۱ : نمونه ریتون شیشه ای

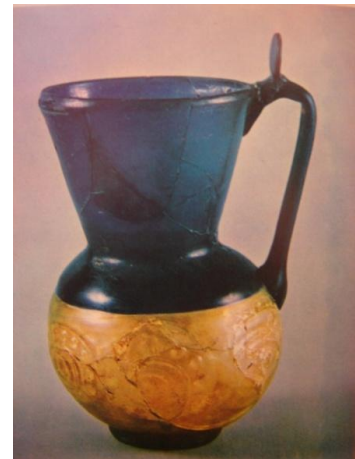
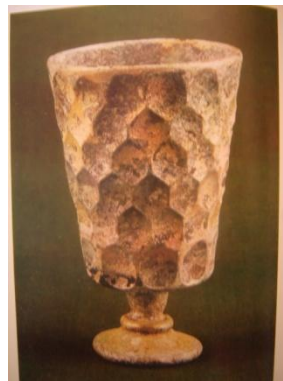
مینا: ابتدا قطعاتی از شیشه در رنگهای مورد استفاده با خاصیت ذوب پایین می ساختند سپس این قطعات را جداگانه خرد کرده و این پودر را در مایعی چسبنده می ریختند و پس از آن درست مانند رنگ روی ظرف شیشه ای از قبل آماده شده نقاشی می کردند بعد ظرف را در کوره ای در حرارت پایین می گذاشتند در این حالت فرم اصلی ظرف تغییر نمی کند ولی

پودر شیشه های رنگی ذوب شده و به عنوان رنگ نقاشی روی ظرف را تزئین می نماید. اوج میناکاری در قرون ۷ و ۸ هـ. در سوریه بود و قندیل های بزرگ شیشه در مساجد مصر از نمونه های خوب آن است.

نقاشی سرد: با استفاده از رنگ و لاک می باشد که چون ظرف به کوره نرفته بر خلاف مینا به راحتی از شیشه جدا می شود.

زرین فام: این تکنیک برای ما هنوز ناشناخته است به هر حال پرده نازگی از رنگ بر روی شیشه حرارت داده می شد و برق و جلایی زر مانند به شیشه می دهد. ما در این سبک در اوایل قرون اسلامی و یا اواخر بیزانس مصریها هستند. زرین فام روی شیشه معمولا رنگ قرمز مایل به قهوه ای که بر روی شیشه بی رنگ انجام می شده است.

هنر شیشه گری در قرون اولیه اسلامی شامل تزئین شیشه های برجسته و کنده کاری بر روی سنگهای شیشه ای می باشد. این هنرها در مدت بسیار کوتاه دارای شهرت و اعتبار گردید و سرانجام باعث توسعه روشهای مختلف از قبیل ایجاد تاریک روشنی و یا برش در شیشه و بخصوص نقش برجسته گردید. نقشهای روی شیشه را عموما حیوانات گیاهان و بخصوص پرندگان تشکیل می دهند. بزرگترین گروه این نوع شیشه ها مجموعه ای است بنام (شیشه های هدویک) . هدویگ یکی از مقدسین مسیحی است که از معجزاتش تبدیل آب به شراب در لیوان های شیشه ای بوده است.



شکل‌های ۱۲-۱۴: نمونه انواع ظروف شیشه ای : جام ، پارچ ، کاسه

قدیمیترین انواع ظروف شیشه ای که در دست است مربوط بدو قرن ۲ و ۳ هـ (۸ و ۹ م) است و خیلی شبیه به ظروفی است که در اثر کاوش در ویرانه های شهر سامره بدست آمده است . تزئینات آنها بوسیله خطوط و دوائر و اشکال هندسی می باشد. تمییز دادن میان آثار صنعت شیشه گری قرون اولیه اسلامی و شناختن مراکز آنها یکی از کارهای مشکل است و نمی توان میان دو آفتابه مشابه یکی از آثار دوره ای فاطمی مصر و دیگری از همان نوع در ایران تفاوت زیادی قایل شد.

ظروف شیشه ای قرن ۹ م. که در سامرا پیدا شده نشان می دهد که اشکال و صراحتهای ساسانی که در ظروف مداین و کیش بدست آمده ادامه یافته است. ظروف شیشه اوایل دوره اسلامی شامل طراحی و قوری و گلدان و فنجان است که برای رفع حوائج زندگی خانگی ساخته می شد و بعضی برای حفظ روغن و عطر بکار می رفت اغلب آنها که متعلق به قرن ۸ و ۹ م. است بدون تزئین است. طرح کندوی عسل و خطوط برجسته قالبی و کتابت بخط عربی از تزئینات آنها می باشد.



شکل های ۱۵ و ۱۶ : نمونه حباب و قندیل شیشه ای

یکدسته دیگر از ظروف شیشه اوایل دوره اسلامی دارای تزیین مهری است که معمولا شامل طرحهای ترنجی مدور و اشکال حیوانات و کتابت به خط کوفی است. تزیین ظروف شیشه بوسیله دواير يا خطوط باریک که بسطح ظرف اضافه می شد و در زمان رومیها شایع بود، در سوریه بخصوص مورد توجه و رایج بود. این خطوط تزیینی معمولا به رنگ آبی است.

هنر شیشه گری در قرون اولیه اسلامی اسلامی شامل تزیین شیشه های بر جسته و کنده کاری بر روی سنگهای شیشه ای می باشد. این هنرها در مدت بسیار کوتاه دارای شهرت و اعتبار گردید و سرانجام باعث توسعه روشهای مختلف از قبیل ایجاد تاریک روشنی و یا برش در شیشه و بخصوص نقش برجسته گردید. نقشهای روی شیشه را عموما حیوانات گیاهان و بخصوص پرندگان تشکیل می دهند.

از مواردی که می توان از لحاظ شباهت تزیینات در این مناطق ذکر کرد تزیینات با رشته های شیشه ای افزوده می باشد که معمولا در پایین گردن صراحی ها و تنگ ها وجود دارد که علاوه بر کارکرد زیبایی شناسانه ، به وضوح جهت رفع نیازهای ارگونومیک جهت به دست گیری آسان این ظروف می باشد .

۷-۲- ظروف سفالی

"قدیمی ترین آثار بدست آمده از ایران که در آنها فرم ها به گونه ای موثر و شاید هم دلپذیر یک اندیشه را آشکار میسازند پیکرهای گلینی هستند که از خویات یک دهکده نو سنگی در تپه سراب نزدیک کرمانشاه بدست آمده اند(پیکره ونوس و گراز کوچک)" (پرادا، ۱۳۸۳: ۷).

هربرت رید می گوید: "سفالگری در آن واحد ساده ترین و مشکل ترین همه هنر هاست . ساده ترین زیرا ابتدایی ترین آنها و مشکل ترین است زیرا تجریدی ترین هنرهاست . و در ادامه : برای قضاوت در هنر مردم یک کشور ، باید از روی سفال آن کشور در ظرافت احساس آنها داوری کرد"(همان: ۱۱).



شکل های ۱۷ و ۱۸: ظروف سفالین نیشابور در موزه ایران باستان

"در میان آثار قرون اولیه اسلامی سفالهای نیشابور شهرت خاصی دارند که معروفترین آنها دارای نقش های قهوه ای تیره روی زمینه سفید یا شیری همراه با لعاب گلی و تزیینات با نوشته های کوفی است" (احمد پناه"۷) . از دیگر لوازم خانگی می توان به انواع لوازم روشنایی اشاره کرد . "در میهمانی های شبانه انواع چراغ می افروختند . چراغها پایه داشت تا مجلس را بهتر روشن کند ، هر چراغ بر فتیله و روغن دان مشتمل بود . این چراغها بیشتر از سفال تهیه می شد و نوعی دیگر هم بود که به آن پیه سوز می گفتند و از مس بود . در مساجد و مجالس بزرگ از قندیل استفاده می کردند که از سقف آویزان می شد" (فقیهی، ۱۳۶۰: ۶۸۸) . از طرفی "ظروف سفالین دوره سامانی در موزه ها به نام ظروف افراسیاب مشهور است . زیرا شهر کهنه سمرقند که این ظروف اول بار در آنجا به دست آمد ، در نزد مردم محل ، افراسیاب نام داشت" (فرای، ۱۳۶۴: ۱۱۶) .

۷-۳- ظروف فلزی

در آیین زرتشتی ایران ، پس از اهورامزدا که آفریننده بزرگ مخلوقات است، امشاسبندان نیز ستایش می شوند . هر کدام از ایشان به یک جزء طبیعی اطلاق می شود و آنرا پشتیبانی می کند : آشا آتش را ، وهومانا گاو را ، زیساترا فلزات را ، آرماییتی زمین را ، هویورواتات آبها را ، و آمرادات گیاهان را . این منطقی به نظر می رسد که محصولات فلزی که زیساترا باید حمایت نماید فلزات _ آنهایی که سلاحها از آن ها ساخته می شود _ باشد . این نشان دهنده ی اهمیت فلزات به عنوان منشع سلاح ها ، است که در یک آیین دینی برای آن خدایی در نظر می گیرند و آنرا می ستایند. فصلی از سال (شهریور به معنای شهریاری مقبول) را به آن اختصاص می دهند . همچنین در باورهای حیات پس از مرگ در این ذکر شده که پس مرحله ی رستاخیز و تن پسین و داوری نهایی که مرحله ی فرشگرد (نو شدن جهان) شروع می شود ،شهایی از آسمان فرو می آید که همه ی فلزات و معادن را ذوب کرده وسیلی جوشانی از فلزات گداخته بر زمین جاری می شود که همه ی مردمان از پارسایان و بزهداران در آن غوطه ور خواهند شد . در حالیکه این سیل مهیب برای پارسایان چونان راه رفتن در رودخانه ای از شیر گرم است ولی عذاب آن برای گنهکاران همانند عذابی آنچنین در این عالم است و عبور از این سیل که « ور ایزدی » نام دارد ، باعث می شود گناهان و معاصی گناهکاران بکلی از بین برود .

در شاهنامه ی فردوسی جنگ افزار پهلوانان از فولاد ساخته شده و کاوه رهبر نامدار ایرانی آهنگر است .

فلز کاری یکی از جلوه های سلیقه و جهش قریحه و هنر ایرانی است. شناخت فرهنگ و هنر ما بدون توجه عمیق به این هنر، کامل و رسا نیست بیان قدرت و سرعت حرکت و تلفیق نقوش نیرومند با تصرفات تزئینی به فلزکاری قدیم ما جلوه ی خیره کننده ای می بخشد و آنرا در کنار شاهکارهای هنر جهان قرار می دهد. با توجه به بازه این تحقیق، محدوده قرون ۱-۵ هجری در نظر گرفته شده است و ظروف فلزی آن مورد بررسی قرار می گیرد.

مهمترین آثار فلزی بجا مانده از دوره ی ساسانیان ظروف نقره ای هستند که شماری از آنان زر اندود شده اند. برخی از این ظروف نقره ای دارای خط نوشته اند که بیان کننده ی نام صاحب ظرف و مشخصه ی وزن آن است.

در فتوت نامه ی آهنگران که بدست رسیده (نقل از کتاب آیین جوانمردی) اولین فرض آهنگری با وضو بودن معرفی می شود و هر عملی با آیه ای از قرآن قرین است. مخصوصاً در موارد پتکه زدن (فتکه) آیه هایی ذکر شده که از نور حکایت دارد مانند: «من الشجره الاخضر ناراً...» و «و... نور السموات و الارض». همچنین است که اولین استاد آهنگری را داود پیامبر می دانند و بقیه را شاگردان او.

نقوش و فرمها در اشیای فلزی قرون اولیه اسلامی

با توجه به تقسیم بندی نقوش که عبارتند از: نقوش هندسی، گیاهی، حیوانی و انسانی. در این بخش سعی بر آن است تا با آوردن نمونه های تصویری از ظروف فلزی، انواع این نقوش را در آنها بررسی گردد. ابتدا چند نمونه از این اشیاء را از لحاظ فرمی مشخص مینماییم:

ریتون: بر اساس جمع آوری و تجزیه و منابع ادبی- تاریخی پارسی که توسط ملیکیان شیروانی صورت گرفته، مشخص می شود که تدام تولید ریتون کهن ایرانی به راحتی وارد دوره اسلاوی شده است. (سی گانت، ۱۳۸۳: ۱۳۸)

ریتون از سه بخش تشکیل شده است: شیپور، حلقه و بخش قدامی- که یک جانور است. بخش شیپوری به منظر. نوشیدن مایعات ساخته شده است و با زاویه ی مناسب به قسمت قدامی حیوان متصل شده و از ابداعات دوره ی هخامنشی محسوب می گردد. حلقه نیز محل این اتصال را می پوشاند.

بخور سوزها: از سده های ۴ و ۵/۱۰ و ۱۱ ایالات شمال شرقی ایران به خاطر بخورسوزهای جانور دیسی که فلز می ساخت روی به کسب شهرت نهاد و شمار زیادی از نمونه های بدست آمده که با پیکرهای مختلف شیر ساخته شده اند، نشان دهنده ی شدت محبوبیت و رواج آنهاست. چته ی آنان چیزی کمتر از نیم متر طول و همان اندازه بلند داشتند و نگهداریشان کنار دست آسان بود، همانگونه که به میان آوردن و مصرف کردنشان برای میمان نوازی. در سده ششم تولید این کالا دفعتاً " متروک ماند و صبعاً" انواع بخوردانهای ارزش عتیقه ای یافتند. (ج.آلن، ۱۳۸۴: ۱۰۴)

گلدانها و ابريقها: با استفاده از فن برجسته سازی و چکش کاری از داخل خلق شده اند، دارای بدنه گلابی شکل و دارای طراحی خستند که جدا کننده گردن. پایه است و ادامه ی ساخت این گونه ظروف را از دوره ساسانی در ابتدای اسلامی مشاهده میکنیم. ابريقها دارای دستگیره هایی هستند که به سر یک حیوان ختم میشود. دستگیره ها به احتمال بسیار با روش چکش کاری ساخته میشدند زیرا زایده های که بالای آنها می باشد (سر حیوانات) به آنها لحیم شده است و همین امر فرض ساخت آنها را به روش قالبگیری نفی میکند.

کاسه ها و بشقاب ها: بطور میانگین قطری حدود ۲۵ سانتیمتر دارند و پایه های آنها در آخر افزوده شده است و در مواردی که دیواره های ظریفی وجود دارند کنده کاری جهت ایجاد نقوش استفاده شده است.

نتیجه: تفکر و هنر اسلامی:

"واژه اسلام به معنای اولیه اش یعنی آسوده و آرام بودن، انجام تکالیف و در معنای ثانوی یعنی تسلیم به او که آرامش با او به وجود می آید. معنای اسم این کلمه یعنی صلح، سلامت، فلاح. پس آنگونه که عموماً تصور می شود معنای آن تسلیم مطلق در برابر اراده خداوند نیست بلکه برعکس معنی آن کوشش در راه نیکوکاری است" (علی، ۱۳۷۰: ۱۳۱-۱۳۲). "دیدگاه اسلام اساساً بر روی خدا متمرکز شده و معهداً گرایش به انتزاع نیز گاهی با رویکرد ریالیسم تلطیف شده است و بیان و فرانمود ارزش زیبایی شناسانه هم کاملاً از ادبیات خالی نبوده است" (آزند، ۱۳۷۴: ۹۰).

در زمان صفاریان کرامیه از جمله مهمترین فرقه های مذهبی سیستان بود. ایشان معتقد به تجسم معبود بودند که گویا از عقاید مانوی متأثر بود و خداوند را جسمی می داند که از همه کامل تر و بزرگتر است و در صورتهای زبای به زمین فرود می آمد (یغمایی، ۱۳۷۰: ۲۵۹). یکی دیگر از فرق مذهبی که تأثیرات بسیار در پیامدهای این دوران دارد شعوبیه است. دعوت شعوبیه ابتدا متکی بر تعلیمات اسلام بود و در ادامه بر عدم مزیت اعراب پای فشاری کرد تا آنجا که عرب را حقیرترین ملل روی زمین شمردند و با تمام مظاهر عرب به دشمنی برخاستند (ممتحن، ۱۳۸۳: ۲۰۳-۲۰۴). نخبگان ایران از طریق ارتباط با موالی در تماس با حرکت شعوبیه به کرات به رهبری آنها نیز نایل شدند، قرار گرفتند (اشپولر، ۱۳۶۹ جلد دوم: ۲۷۷).

دو موضوع تفکر اولیه اسلامی را می توان به حق به زینتکاری اسلامی مرتبط دانست. اولین، در عبارت «لله البقاء» نشان داده شده است. به این معنی که فقط خدا باقی است و تنها خداست که هر چیز را جاودانه می کند. موضوع دوم به ذره گرایی معروف شده است. یعنی تمامی جهان از ترکیبات گوناگون واحدهای برابر تشکیل شده که از یکدیگر متمایز می گردند (گرابار، ۱۳۷۹: ۲۲۴).

حکومت امویان هنری را جستجو کردند که آشکارا کافرانه و دنیوی و غیر مقدس بود. این هنر در ادوار بعدی از حالت جلی به صورت خفی درآمد بورکهارت یکی از علل دنیوی شدن هنر عصر اموی را در-کنار عصبیت ظلمت آمیز قومی و گریز از سنت نبوی-وجود نا مسلمانان یا نو مسلمانان ظاهری در بخشهایی از جهان اسلام می داند که گرایشهای هلنیستی را در دربار امویان ظاهر ساختند (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۳۴). دنیوی شدن سیاست موجب کناره گیری نیروهای معنوی از عرصه سیاست و انتقال تعالیم دینی به میان امت مؤمن که سیاستمداران را اغلب اهل ظلمه می دانستند شد. در این میان فلاسفه و برخی متکلمین متأثر از تفکر یونانی کار یدی هنرمندان را شایسته تامل ندیدند و چونان ارسطو و افلاطون بیشتر به شعر و حکمت شعری نظر کردند و فلسفه هنر آنان نیز در واقع فلسفه شعر بود تا فلسفه صنایع مستظرفه و هنرهای زیبا و فنون جمیل، و این فلسفه نیز بیشتر ترجمه فن شعر ارسطو بود و کم و بیش یونانی زده ماند (مددپور، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

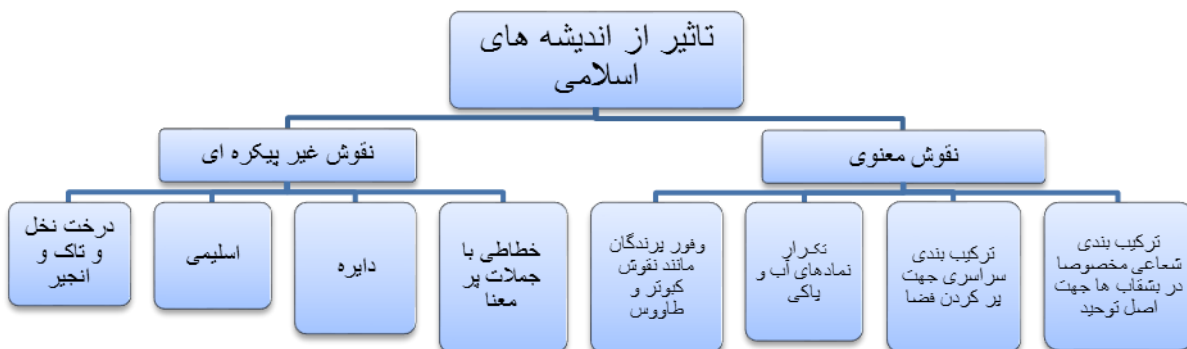
تعالیم و عقاید اسلامی بر کل شئون و صور هنری رایج در تمدن اسلامی تأثیر گذاشته است و صورتی وحدانی به این هنر داده و حتی هنرهای باطل نیز نمی توانسته اند خود را از این حقیقت متجلی بر کنار دارند. بنابراین همه آثار هنری در تمدن اسلامی به نحوی مهر اسلام خورده اند. همچنانکه اشتراک در دین باعث شده تا اختلافات و تعلقات نژادی و سنن باستانی اقوام مختلف در ذیل علایق و تعلقات دینی و معنوی قرار گیرد و همه صبغه دینی را بپذیرند. وجود زبان دینی مشترک نیز به این امر قوت می داده است.

غلبه وحدت دینی در هنر اسلامی تا آنجا پیش آمده که تباین هنر دینی و هنر غیر دینی را بر داشته است، و تباینی که بین هنر مقدس و غیر مقدس در مسیحیت به وضوح مشاهده می شود در اینجا از بین رفته است. دوری از طبیعت محسوس و رفتن به جهانی ورای آن با صور تمثیلی از اشکال هندسی نباتی و اسلیمی و خطایی و گره ها به وضوح به چشم می آید. وجود مرغان و حیوانات اساطیری بر این حالت ماوراء طبیعی در نقوش افزوده است. وجود چنین تزئیناتی با دیگر عناصر از نور و حجم و صورت، فضایی روحانی به هنر اسلامی می بخشد. این ممیزه در حقیقت گاهی از صور خیالی قصص اسلامی به نقوش تسری پیدا می کند. این صور که وصف عالم و آدم و مبدا عالم و آدم می کنند در قلمرو هنر اسلامی در آغاز در شعر و حکایات جلوه گر شده است، و حتی مشرکین قرآن را در زمره اشعار و پیامبر را شاعری از شاعران انگاشتند. بدینسان روح هنر اسلامی سیر از ظاهر به باطن اشیاء و امور است. هنرمندان اسلامی در نقش و نگاری که در صورتهای خیالی خویش از عالم کثرت می بینند، هر کدام جلوه حسن و جمال و جلال الهی را می نمایند. بدین معنی هنرمند همه موجودات را چون مظهري از اسماء الله می بیند (همان : ۱۲۳).

«هر نقش و نگاری که مرا در نظر آید حسنی و جمالی و جلالی بنماید»

جهان در تفکر اسلامی جلوه و مشکات انوار الهی است و حاصل فیض مقدس نقاش ازلی، و هر ذره ای و هر موجودی از موجودات جهان و هر نقش و نگاری مظهر اسمی از اسماء الهیه است و در میان موجودات، انسان مظهر جمیع اسماء و صفات و گزیده عالم است.

نکته اساسی در هنر اسلامی که باید بدان توجه کرد عبارت است از توحید. زیرا هنرمند مسلمان از کثرات می گذرد تا به وحدت نایل آید. انتخاب نقوش هندسی و اسلیمی و خطایی و کمترین استفاده از نقوش انسانی و وحدت این نقوش در یک نقطه، تأکیدی بر این اساس است (همان : ۱۲۷). طرحهای هندسی که به نحو بارزی وحدت در کثرت و کثرت در وحدت را نمایش می دهد، همراه با نقوش اسلیمی که نقش ظاهری گیاهی دارند، آن قدر از طبیعت دور می شوند، که ثبات را در تغییر نشان می دهند و فضای معنوی خاصی را ابداع می نمایند که رجوع به عالم توحید دارد.



در هر حال "اجتناب از شبیه سازی در هنر صدر اسلام، در هر جا که بنایی مذهبی مطرح بوده، سازمان یافته و عمدی است. در حالیکه این رویگردانی به معنای رویگردانی از معانی نمادین نبود که منتسب به شکل هایی است که عملا مورد استفاده قرار گرفته اند. حتی معنای نمادین به شکل های جدید اخذ شده از زبان های هنری پیشین اطلاق شد که تا آن موقع واجد آن معانی نمادین دانسته نمی شدند" (گرابار، ۱۳۷۹: ۱۰۱). وقتی صنعتگران و هنرمندان اسلامی به کار مشغول می شوند با روشی خاص سر و کار پیدا می کنند و به کار، روحانیتی دینی می دهند.

نمونه ای از روحانیت کار را در احوال صنعتگران در رساله چیت سازان می یابیم، وقتی که کار به صورت اسرار آمیز و سمبلیک چونان سیر و سلوک در مقامات و منازل معنوی تلقی می گردد و از مرحله گرفتن قالب و پختن رنگ تا شستن کار، همچنان که از حضرت «لوط» پیامبر یاد گرفته اند تا در دنیا نامدار و در قیامت رستگار باشند، معنویت و روحانیت کار به وضوح نمایان است، یا آنجا که قالب را مظهر چهار رکن شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت، و رنگ سیاه را مظهر ذات حق می گیرند، همه حکایت از احوالات روحانی هنرمند می کند. تمثیل و رازگونی کار هنری به وضوح در این مقام مشاهده می شود (افشاری، ۱۳۸۴: ۷۶):

سیاهی گر بدانی عین ذات است که تاریکی در او آب حیات است.

منابع و مأخذ (جهت مطالعه بیشتر):

۱. آ. گرانوسکی - م. آ. داندامایو (۱۳۸۵) تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، مترجم، کیخسرو کشاورزی، مرکز نشر دانشگاهی
- اتینگهاوزن، ریچارد، (۱۳۷۹)، اوج های درخشان هنر ایران، رویین پاکباز و هرمز عبدالهی، نشر آگاه، تهران
- احمد پناه، سید ابوتراب (۱۳۸۰). زیبایی شناسی نقوش سفال نیشابور. هنرنامه شماره دوازدهم. دانشگاه هنر. تهران.
- اشپولر، برتولد (۱۳۶۹)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، جلد اول، ترجمه جواد فلاطوری، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، تهران
- اشپولر، برتولد (۱۳۶۹)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، جلد دوم، ترجمه مریم میر احمدی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- افشاری، مهران (۱۳۸۴)، آیین جوانمردی (مرام و سلوک طبقه عامه ایران)، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۷). تاریخ ایران بعد از اسلام. صدای معاصر.
- البهنسی، عقیف (۱۳۸۷). هنر اسلامی. مترجم محمود پور آقاسی. پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی چاپ دوم، تهران.
- باسورث، ادmond کلیفورد (۱۳۷۸). تاریخ غزنویان. ترجمه محمد مقدم، تهران، امیرکبیر.
- باطنی محمد رضا (۱۳۶۹) - زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان - ترجمه مسعود رجب نیا - انتشارات علمی فرهنگی. تهران
- بلوکباشی، علی (۱۳۷۴) - «صنایع قومی، محمل انتقال هنجارها و ارزشهای فرهنگی»، دستها و نقشها - ص ۱۰ - ۱۳
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵)، هنر اسلامی، زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات سروش، تهران
- پاول، هرن (۱۳۴۹)، تاریخ مختصر ایران از آغاز اسلام تا آغاز سلطنت پهلوی، مترجم شفق رضا زاده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران
- ستاری، جلال (۱۳۷۲) - مدخلی بر رمز شناسی عرفانی - تهران - نشر مرکز - سوم.
- خلج امیر حسینی، مرتضی (۱۳۸۷). رموز نهفته در هنر نگارگری. انتشارات آبان، تهران.
- ریچارد و احسان یارشاطر (۱۳۷۹) اوجهای درخشان هنر ایران - ترجمه هرمز عبدالهی و رویین پاکباز
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۳)، ایران در اوایل عهد اسلامی، انتشارات امیر کبیر، تهران
- شعبانی، رضا (۱۳۵۴). مبانی تاریخ اجتماعی ایران. نشر قرمس. چاپ دوم تهران.
- علی، امیر (۱۳۷۰)، تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام، ترجمه ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدر پور، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد
- فرای، ریچارد (۱۳۶۳). عصر زرین فرهنگ ایران. ترجمه مسعود رجب نیا. انتشارات سروش. چاپ دوم، تهران.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۶۰). آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر. انتشارات صبا. تهران.
- قرائی، امان... (۱۳۷۷)، هنر عوام و هنر خواص، هنرنامه شماره ۱، دانشگاه هنر تهران: ۲۰-۲۸
- گرابار، اولگ (۱۳۷۹)، شکل گیری هنر اسلامی، مهرداد وحدتی دانشمند، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران
- طباطبایی، جواد، (۱۳۷۵). خواجه نظام الملک. طرح نو. تهران.
- نصیری، علی، (۱۳۸۶). قرآن و هنر. انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن. تهران.
- متز، آدام (۱۳۶۲)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، انتشارات امیر کبیر، تهران
- مدد پور، محمد (۱۳۸۷)، تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، چاپ و نشر بین الملل، تهران
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸) - فطرت - انتشارات صدرا - چاپ یازدهم

ممتحن ، حسینعلی(۱۳۸۳)، نهضت شعوبیه جنبش ملی ایرانی در برابر خلافت اموی و عباسی، انتشارات علمی فرهنگی ، تهران
مهرآبادی، میترا(۱۳۷۴)، تاریخ/ایران، تاریخ سلسله زیاری، دنیای کتاب، تهران،
هانس ای و ولف (۱۳۷۲) صنایع دستی هنر ایران - ترجمه دکتر سیروس ابراهیم زاده- انتشارات انقلاب اسلامی
هال، جیمز(۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، انتشارات فرهنگ معاصر، ص
.۴۷
هینلز، جان (۱۳۸۱)-شناخت اساطیر ایران - ژاله آموزگار و احمد تفضلی- سمت چاپ هفتم
هورنر ، کریس (۱۳۸۱). آشنایی با فلسفه هنر . مترجم شهاب الدین قندهاری . انتشارات سراج . تهران

-Lawson, Brayan- how designer think- second edition- butterworth 1990
O` Toole, Christopher, 1988, Encyclopedia of the animal world, Insect and spider, Great Britain, Oxford
Bisci Bowen, A., 1981, Passive Cooling in Animal Architecture, Miami, Florida, USA
M-S., Ipsiroglu, Painting and culture of the Mongols, Newyork, 1955, P.610.
Rogers, J.M., The Topkapi saray museum, The Albums and Illastrated manuscripts. London. 1986, P.70.
Seguy, M.R., Miraj-nameh. paris, 1977, P.7.

رادمنش، عزت الله، سبکهای تاریخی و نظریه های نژادی، انتشارات کویر ، ۱۳۷۰
روح الامینی، محمود، زمینه ی فرهنگ شناسی ، انتشارات مهدی ، ۱۳۷۷
بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی ، باقر ساروخانی ، انتشارات کیهان ، ۱۳۷۵
منصور نژاد، محمد، عناصر اصلی گفتگوی تمدن‌ها، انتشارات جهاد دانشگاهی ، ۱۳۸۱